



Understanding the Ontological Foundations of Strategic Decision-Making from the Perspective of the Qur'an (Based on Surah Anfal)

Marzie Bakhshi *

Received: 05/04/2022

Asadollah Kordnaeij **

Accepted: 05/07/2022

Ahmad Akouchakian, ***

Seyed Hamid Khodadad Hosseini ****

Abstract

The production and processing of ideas, theories, conceptual and operational models with a religion-based approach (Qur'anic) in the field of progress management and in particular strategic decision-making depends on their methodical procedure within the revelatory teachings of the Holy Qur'an. In this regard, it is necessary to address the nature of "paradigm foundations" in order to establish the correct epistemological framework in the knowledge of strategic decision-making of the Qur'an. To this end, in the present article, an attempt has been made to understand and explain some of the implications based on the ontological foundations related to the subject of strategic decision-making, using content and thematic analyses with the help of ATLAS.ti software. These analyses are based on the combined mechanism of the implication research method and implication logic that exist in *Osul* (Islamic theological foundations science) as especially based on Surah *Anfal*. This process led to the extraction of 204 primary codes, 25 basic themes, and 6 organizing themes, including the nature of social realities, the role of human nature and his causality, the fate of phenomena, and the role of divine traditions in strategic decision-making, plus the manifestation of truth, and the theological tradition in strategic decision-making. All six of these are subsets of a broader theme, the ontological foundations of strategic decision making. The results of this article can lay the groundwork for production, processing, and development of the theory and knowledge of strategic decision-making of the Quran by researchers, and thus the presentation of specific applied models for strategic managers from the perspective of religious (Quranic) thoughts in research and development objectivity.

Keywords

Strategic Decision Making; Fundamentals of Ontology; Paradigm; Quran; Implication Research Method.

* Ph.D. candidate of Strategic Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

marzie.bakhshi@modares.ac.ir

0000-0002-4443-1924

** Professor, Department of Business Management, School of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author)

naeij@modares.ac.ir

0000-0003-0540-6141

*** Associate Professor, Strategic Development Research Center (Roshd), Qom, Iran.

a_akoochekian@yahoo.com

0000-0003-2297-5688

**** Professor, Department of Business Management, School of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. khodadad@modares.ac.ir

0000-0001-7435-3632



دو فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، مقاله پژوهشی
سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص. ۱-۴۴

فهم مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک از منظر قرآن (مبنتی بر سوره انفال)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

10.30497/SMT.2022.242836.3366

مرضیه بخشی *

اسدالله کردنا بیج **

احمد آکوچکیان ***

سید حمید خداداد حسینی ****

چکیده

تولید و فرآوری اندیشه‌ها، نظریه‌ها، مدل‌های مفهومی و عملیاتی با رویکرد دین (قرآن) شناخت در موضوعات حوزه مدیریت پیشرفت و به‌طور خاص تصمیم‌گیری استراتژیک، منوط به تولید و فرآوری روشمند آنها در چارچوب آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است. در این راستا، لازم است تا به‌منظور پی‌ریزی درست چارچوب معرفتی در دانش تصمیم‌گیری استراتژیک قرآن‌بنیان، به «چیستی مبانی پارادایمی» آن پرداخته شود. با چنین هدفی، در نوشتار پیش رو سعی شده است تا با استفاده از تحلیل مضمون و تحلیل محتوا در نرم‌افزار atlas.it، بخشی از دلالت‌های مبنتی بر مبانی هستی‌شناسی مرتبط با موضوع تصمیم‌گیری استراتژیک فهم و تبیین شود. این تحلیل‌ها مبنتی بر سازوکار ترکیبی دو روش دلالت‌پژوهی و همچنین منطبق دلالت در ادبیات علم اصول است که با استناد به سوره انفال انجام گرفته‌اند. حاصل این فرآیند، استخراج ۲۰۴ کد اولیه، ۲۵ مضمون پایه و ۶ مضمون سازمان‌دهنده شامل عناوین زیر بوده است: ۱. ماهیت واقعیت‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک؛ ۲. نقش ماهیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک؛ ۳. نقش عاملیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک؛ ۴. سرنوشت پدیدارها در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک؛ ۵. نقش سنت‌های الهی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و ۶. جلوه‌گری حقیقت و رسم الهیاتی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک. همه شش مضمون یادشده، زیرمجموعه یک مضمون گسترده‌تر (مضمون دلالتی فراگیر)، یعنی مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک قرار دارند. نتایج این مقاله می‌تواند زمینه‌ساز روش تولید، فرآوری و تدوین نظریه و دانش تصمیم‌گیری استراتژیک قرآن‌بنیان از سوی پژوهشگران این حوزه و بدین‌سان ارائه مدل‌های کاربردی خوددویژه برای مدیران استراتژیک، مبنتی بر چشم‌انداز قرآن‌بنیان و جریان آن در عینیت تحقیق و توسعه‌ای باشد.

واژگان کلیدی

تصمیم‌گیری استراتژیک؛ مبانی هستی‌شناسی؛ پارادایم؛ قرآن؛ دلالت‌پژوهی.

20.1001.1.23830891.1400.15.2.12.9

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

marzie.bakshi@modares.ac.ir 0000-0002-4443-1924

** استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

naej@modares.ac.ir 0000-0003-0540-6141

*** دانشیار مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، قم، ایران.

a_akoochekian@yahoo.com 0000-0003-2297-5688

**** استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

khodadad@modares.ac.ir 0000-0001-7435-3632

مقدمه و بیان مسأله

شیوهٔ تصمیم‌گیری استراتژیک در هر نظام اجتماعی (مانند سازمان‌ها) و به‌طور خاص در یک نظام اجتماعی اسلامی، به اهداف و هویت ساختاری آن جامعه و سازوکار جریان پیشرفت در آن بستگی دارد و اهداف نیز اساساً متکی بر منظومه و نظام آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه و اندیشهٔ مبنای این نظام تدوین می‌شود. ارزش‌ها و آرمان‌های یک جامعه نیز ریشه در جهان‌بینی یا پارادایم حاکم بر آن دارد. بدین‌سان هر نظام اجتماعی با تکیه بر جهان‌بینی یا پارادایم خویش درصدد است تا ارزش‌ها و آرمان‌ها را به اعضای خویش ارائه کرده، آنان را ترغیب به طراحی و تدوین اهداف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی - دفاعی و... در راستای ارزش‌ها و آرمان‌های برگزیده - نظام‌های مطلوب رشد - کند. به این قرار، تصمیمات استراتژیک اخذشده برای تحقق اهداف یک جامعه، در برآیند جهان‌بینی یا پارادایم حاکم و در قالب برنامه‌ریزی‌های استراتژیک، ظهور و بروز می‌یابد (ایمان، ۱۳۹۲، صص. ۱-۳؛ علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰).

کوتاه آنکه، فرآیند تفکر تا مدیریت استراتژیک چونان هر نظام دانشی و اقدامی، وامدار مبانی پارادایمی خودویژه‌ای است. بدین‌سان، تعبیر جهان (تفسیر و تحلیل موقعیت‌های پیش رو) و نیز تدبیر (مدیریت موقعیت‌های پیش رو) آن به مدد تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، برخاسته و متأثر از نوع پارادایم برگزیدهٔ جامعه هدف است که در سه سرفصل برجستهٔ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سرجمع می‌یابد. این مبانی پارادایمی، زمینه‌ساز طراحی نظریه و گذار به مدل تصمیم‌گیری استراتژیک از چشم‌انداز جریان فکر دینی در عینیت تحقیق و توسعه‌ای است.

امروز، جهان دین به عصر جدید وارد شده است و با انبوهی از مسائل نه فقط در عرصهٔ حقیقت، بلکه به‌طور خاص در عرصهٔ تحقق دین و نه فقط در عرصهٔ آخرت بلکه در عرصهٔ دنیا و در سرجمع، عرصهٔ تدبیر راهبردی عرصه‌های گوناگون زندگی فردی، اجتماعی و تمدنی روبه‌روست. مسائلی که بیش از هرچیز صبغهٔ گستردهٔ فلسفی دارد؛ پارادایم، این عنصر فلسفی است. امروزه حجم عظیمی از مسائل عرصهٔ دین در حوزهٔ تحقق آن (از مسائلی چون الگوی رشد - توسعهٔ پیشرفت‌شناخت تا فساد اقتصادی، خودکامگی دولت‌ها و حاکمیت‌ها) است که رکن چاره‌گشای آن، فرآوری فکر دینی در

هیئت پارادایم مرجع (الگوی اندیشه) مدیریت راهبردی و به‌طور خاص تصمیم‌گیری راهبردی با تأکید بر اندیشه دین‌شناخت پیشرفت (پیشرفت در عیار آموزه‌های دین) و پیشرفت‌شناخت دین (دین در چشم‌انداز مسأله‌نگری پیشرفت) برای تفسیر و تدبیر درست مسائل راهبردی است (آکوچکیان، ۱۳۹۵، صص. ۲۵-۲۶).

اندیشه و دانش مدیریت استراتژیک همانند هر نوع معرفت علمی دیگر، با هدف ورود به واقعیت تجربی، طراحی نظری و عملیاتی می‌شود و هدف از آن، کشف، پیش‌بینی، تبیین و حل مسائل راهبردی است. از طرفی، دانش یادشده همچون هر نوع معرفت علمی، در سلسله‌مراتب معرفتی، حد واسط پارادایم علم و واقعیت قرار دارد. از طرف دیگر، جایگاه معرفت علمی باعث می‌شود قبل از ورود به واقعیت، مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی واقعیت را از پارادایم اخذ نماید.^۱ بر این اساس، مبانی پارادایمی متفاوت چونان پارادایم‌های اثبات‌انگار، تفسیری، قرآن‌بنیان و... می‌تواند به انتخاب مسیرهای متفاوت برای ورود به واقعیت منجر شود. به این قرار، هر حوزه‌ای از علم مدیریت استراتژیک مانند تصمیم‌گیری استراتژیک که در پی ورود به واقعیت تجربی برای ایجاد تغییر (در راستای هدف معرفت علمی) است، ریشه در جهان‌بینی حاکم بر آن دارد و نمی‌تواند بدون توجه به مبانی پارادایمی خود طراحی و اجرا شود. بدین‌سان، هرگونه تصمیم‌گیری استراتژیک در هر نظام اجتماعی چونان یک نظام اسلامی لزوماً تحت پارادایم‌های غالب بر آن صورت می‌پذیرد.

در اولین وجه کاوش از پارادایم‌های غالب در یک جامعه، مبانی هستی‌شناسی آن پارادایم بررسی می‌شود. از منظر ایمان و کلامه ساداتی، «هستی‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که معطوف به مسئله وجود یا هستی است» (ایمان و کلامه ساداتی، ۱۳۹۷، صص. ۴۷-۴۸؛ ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۵۰). محمدپور بر آن است: «پرسش‌های هستی‌شناختی دربرگیرنده سؤال‌هایی است که به حوزه واقعیت، جهان و هستی معطوف هستند. سوال‌هایی نظیر: شکل و ماهیت واقعیت چیست؟ چه چیزی وجود دارد که می‌توان در مورد آن شناخت حاصل کرد؟» (محمدپور، ۱۳۹۷، ص. ۷).

در هستی‌شناسی، ذهنیت تصمیم‌گیرنده درباره جوهره پدیده‌ها موضوع اصلی تأمل است. دیدگاه فرد درباره جهان پیرامونی در تصمیم‌گیری تأثیر شگرفی دارد. آیا ماهیت

«واقعیت» چیزی خارج از فرد است یا ساخته ذهن؟ به بیان دیگر آیا «واقعیت» ماهیتی «عینی» دارد یا محصول شناخت تصمیم‌گیرنده است؟ هر تصمیم‌گیرنده برای اتخاذ تصمیم، دیدگاه خود را درباره جهان آفرینش آشکار می‌کند؛ هرچند ممکن است این امر ناخودآگاه صورت گیرد (منطقی، ۱۳۹۰، ص. ۴۹). بدین‌سان پیش‌فرض (پارادایم) مسلمانان در خصوص واقعیت این جهان و اعتقاد به اصل توحید به‌عنوان زیربنای افکار و باورهای آنان، با اعتقادات و باورهای مدیر غیرمسلمان (اعم از لائیک یا غیرموحد) در طراحی ذهنی تفاوت دارد و مبتنی بر همین دیدگاه متفاوت است که نحوه تصمیم‌گیری و اقدام هر کدام از آنها با یکدیگر دیگرگون خواهد بود.

به این قرار، ضرورت فرآوری درون‌زای تفکر تا مدیریت استراتژیک به‌ویژه در تجربه معاصری جهان اسلامی - ایرانی، با نظر به نظام اولویت‌ها در ارتقای علوم انسانی دین‌شناخت و اهتمام به جنبش احیاء علوم انسانی در جهان اسلام آشکار می‌شود. این مهم، فراخوان به ضرورت بازخوانی و بسط مبانی پارادایمی دین‌شناخت در حوزه علوم انسانی و توجه به تأثیر این مبانی در حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک است. در این راستا، این پژوهش بر آن است تا به مدد نمونه آموزه‌های سوره انفال، به بازخوانی مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک در راستای فرآوری اندیشه دین‌شناخت پیشرفت بپردازد و به این سؤال کانونی پاسخ دهد که مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک از منظر قرآن کریم چیست و چگونه در متن تصمیم‌گیری استراتژیک جریان می‌یابد؟ گفتنی است، در این مقاله به استخراج نمونه مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک با نمونه سوره انفال پرداخته شده است و دستیابی کامل به سامان جامع مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک، نیازمند بررسی کل سوره‌های قرآن است.

۱. مروری بر ادبیات پژوهش

۱-۱. تصمیم‌گیری استراتژیک

کاموفو، گامباردلا، و پیگناتارو،^۲ معتقدند «تصمیم‌گیری استراتژیک، تصمیماتی غیرتکراری و با تأثیر فراوان هستند که از نظر ساختاری در بین شرکت‌ها و در طول زمان متفاوت هستند» (Camuffo, Gambardella & Pignataro, 2022, P. 2). از منظر یو و یو^۳ (۲۰۱۶) «وقتی یک تصمیم استراتژیک گرفته می‌شود، بعید است که در کوتاه‌مدت تغییر

کند. تصمیمات استراتژیک معمولاً به تصمیمات بلندمدت اشاره دارند که تغییر یا اصلاح آنها در یک دوره کوتاه دشوار است» (Yue & You, 2016, P. 2). نیکلاس (۲۰۱۰) تصمیم‌گیری راهبردی را پیچیده، پیش‌بینی‌نشده، بدون ساختار و دارای تأثیرات بلندمدت می‌داند (به نقل از شخصیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۰). تصمیمات استراتژیک تصمیماتی هستند که در طول سال‌ها، دهه‌ها و حتی فراتر از طول عمر یک پروژه تأثیر دارند.^۴ از مجموع تعاریفی که برای تصمیم‌گیری استراتژیک وجود دارد، می‌توان در برآیند انتقادی از مجموع مکاتب و با تأکید بر رویکرد تجویزی، چنین تعریف ساختاری‌ای را ارائه داد: تصمیم‌گیری استراتژیک فرآیندی غیرساخت‌یافته است که مبتنی بر تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی، توسط مدیریت ارشد نظام اخذ می‌شوند. این تصمیمات، منجر به گزینش روش و اقدامی آینده‌نگر متأثر از نگرش‌ها، باورها و نظام ارزش‌های مدیران ارشد و ذی‌نفعان بانفوذ، به‌منظور نیل به اهداف اساسی و عالی سازمان می‌شوند و ضمن سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه، نتایج بلندمدتی را به همراه دارد. این تعریف ساختاری در متن تجربه دین‌شناخت مدیریت، مبتنی بر الگوی مبنای تحلیل مبانی، نگرش پارادایمی، باورهای مرجع و نیز آرمان‌ها، نظام‌های مطلوب و ارزش‌های معیار، منجر به تعریف درون‌زایی از الگوی نقد وضعیت موجود و اهداف اساسی و عالی سازمان با لحاظ بازه زمانی بلندمدت (الگوی آینده‌نگاری) می‌شود.

۲-۱. پارادایم

هر چند مدل کوهن درباره پارادایم‌ها برای علوم طبیعی طراحی شده است، در علوم انسانی نیز کاربرد دارد. برای نمونه ریتزر^۵ (۱۹۶۸) با به‌کارگیری مفهوم پارادایم در جامعه‌شناسی آن را شامل سه پارادایم واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی و رفتار اجتماعی می‌داند (به نقل از سام‌خانیان و فیاض، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۰). پارادایم‌ها در حقیقت، به‌مثابه سرمشق غالب فکری و به تعبیری دیگر، معادل فلسفه و جهان‌بینی هستند. پارادایم‌ها در رویکردی پساکوهنی و با نظر به ادبیات امروز در حوزه مبانی نظری علوم انسانی و نیز عرصه اجتهاد تفسیری، راهنمایی برای حل مسائل انسان هستند. انسان در چارچوب پارادایم می‌اندیشد، می‌فهمد و قضاوت می‌کند. پارادایم، تجلی لایه‌ای از

حقیقت هستی است. هر پارادایم محدوده‌ای از عالم هستی و قواعد آن را بر روی ما می‌گشاید و پیش‌فرض‌ها، باورها و برداشت‌های ما نسبت به موضوعات را تعیین می‌کند. در واژه‌نامه فلسفی کمبریج پارادایم این‌گونه تعریف شده است: پارادایم مجموعه‌ای از اعتقادات علمی و باورهایی است که برای آزمون، ارزیابی کردن و در صورت لزوم، اصلاح نظریه‌های علمی چارچوبی فراهم می‌آورد.

مجموعه گفتارها یا مدل منطقی از گفتارهایی است که در ارتباط بین ذهنی اجتماعی از اندیشمندان، مورد اتفاق نظر قرار می‌گیرد و زیربنای فلسفی یا پیش‌فرض‌های علم را تشکیل می‌دهد (چاردولی و دل‌انگیز، ۱۳۹۸، صص. ۹۳-۹۴).

۳-۱. هستی‌شناسی

نخستین پرسش هر پارادایم برای تحقیق، این است که «ماهیت واقعیت چیست؟» یا به عبارت دیگر، آن چیست که می‌توان در مورد آن به شناخت رسید؟ یا آن چیزی که موضوع شناخت ما است، چه ماهیتی دارد؟ این موارد، پرسش‌های هستی‌شناختی هستند. هستی‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که معطوف به مسئله وجود یا هستی است.

فرهنگ‌نامه تفکر مدرن چنین تعریفی از هستی‌شناسی ارائه کرده است: «هستی‌شناسی، یعنی نگاه محقق یا مجموعه‌ای از محققان نسبت به امر واقع که دربرگیرنده ماهیت آن و نیز چگونگی ارزیابی و دخل و تصرف در آن است. هستی‌شناسی نظریه‌ای است در باب وجود یا به‌طور دقیق‌تر، آنچه واقعاً وجود دارد، در مقابل آنچه به نظر می‌رسد وجود داشته باشد یا بهتر بگوییم فقط چیزی را می‌توان قابل تحقیق دانست که اجزاء واقعی داشته باشد (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۷، صص. ۴۷-۴۸).

۳-۱-۱. هستی‌شناسی مبتنی بر اجتهاد در دانش دینی (قرآن‌بنیان)

«اجتهاد در دانش دینی (قرآن‌بنیان)» مقسم، زیرساز و شاکله عرصه‌های گوناگون اجتهاد کلامی، فقهی تا مدیریت دین‌شناخت است و ماهیتی پارادایمی دارد (حسینی، ۱۳۹۹، صص. ۱۵-۳۶؛ علی‌پور و حسینی، ۱۳۹۴، صص. ۵۱-۸۷).

از دیدگاه فلسفه قرآنی یا اجتهاد در دانش دینی (قرآن‌بنیان)، حقیقت خارج از آگاهی انسان وجود دارد. زیرا بر اساس جهان‌بینی قرآن‌بنیان واقعیت در ذات الله تجلی می‌کند و همه موجودات و کائنات، اصالت خود را از آن ذات ازلی و ابدی دریافت می‌کنند. لذا،

واقعیت همه امور، در واقعیت الله نهفته است «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (حج، ۷۶). همچنین باید در نظر داشت که در این نگاه واقعیت دو وجهی است، یعنی قسمتی از آن واقعیت محسوس است و وجهی دیگر از این واقعیت را، واقعیت غیب شکل می‌دهد. بدین‌سان به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های هستی‌شناسی قرآن‌بنیان را این‌گونه برشمرد:

۱. همه واقعیت و هستی از وجود واقعیت الله - جل جلاله - نشأت می‌گیرد و آن ذات ربانی پیش‌نیاز همه هستی است؛
۲. همه شناخت‌ها، فرآیندها و مسیر تاریخ و... از ذات خداوند و واقعیت الهی نشأت گرفته است؛
۳. اصل واقعیت، ارزش‌مدارانه است. چه بسا که همه ارزش از واقعیت یعنی ذات الله - جل جلاله - صادر می‌گردد و انسان باید به این واقعیت ذاتی و غایی ایمان بیاورد؛
۴. اصل واقعیت قابل مشاهده نیست. انسان از طریق رجوع به محسوسات و فرآیندهای آن، قادر خواهد بود به وجود واقعیت پی ببرد، اما نمی‌تواند در مورد شکل و شمایل واقعیت بحث کند؛
۵. فهم وجود واقعیت، نیازمند رفتن از ظاهر محسوسات به فرآیندهای پنهانی است تا بتوان با شناخت این فرآیندها به یکی از مهم‌ترین دلایل وجود واقعیت، یعنی سنت‌الله پی برد؛
۶. برای فهم واقعیت، باید خصیصه‌های آن ذات احدی را شناخت، خصیصه‌هایی که در صفات ثبوتیه الهی نهفته هستند؛
۷. واقعیت، وحدانی است و دوگانه نیست، اما شکلش دوگانه است، یعنی قسمتی از آن (قسمت عمدۀ آن) غیبی و قسمتی دیگر (جزئی) که محصول اراده واقعیت است، محسوس است؛
۸. واقعیت محسوس، نه تنها زیرمجموعه وجه غیبی واقعیت است، بلکه تالی است و همه محسوسات در عالم حسی، از فرآیندهایی که در حوزه غیب واقعیت در حال انجام است فرمان می‌برند. فرآیندهای غیبی واقعیت که اداره‌کننده تمامی فرآیندهای غیبی و مشهود است، سنت‌الله نامیده می‌شود؛

۹. حدود و ثغور واقعیت، در فهم انسان نمی‌گنجد و بی‌انتهاست؛ با وجود این، انسان تا حدودی و با هدایت وحی قادر است از گردش کار هستی کسب شناخت کند. «رویکرد اسلامی به علم، بر محدودیت عقل انسانی و ذهنی انسانی صحنه می‌گذارد و تأییدکننده این امر است که تمام دانش‌ها نزد خداوند است (Sardar, 2006, P. 181)» (ایمان و کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۸، صص. ۵۳۴ - ۵۳۵).

۲. مروری بر پیشینه پژوهش

کاستی‌های مهم پژوهشگران حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک در حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای تصمیم‌گیری استراتژیک با علوم قرآنی و به‌طور خاص در حوزه مبانی پارادایمی باعث شده است تا پیشینه این گونه فعالیت‌های پژوهشی، در جامعه پژوهشگران تحقیقات استراتژیک قوت چندانی نداشته باشد. با وجود این، برخی پژوهش‌های صورت گرفته در راستای موضوع پژوهشی این مقاله، در ادامه به صورت خلاصه مرور شده است.

جدول (۱): خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگر(ان)	موضوع پژوهش	سال	نتایج اصلی
زهرا فروتنی	مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی (ره)	۱۳۸۷	این کتاب به بررسی و مقایسه الگوی تصمیم‌گیری امام خمینی (ره) با مدل‌های تصمیم‌گیری استراتژیک رایج پرداخته است. الگوی جامع تصمیم‌گیری راهبردی معرفی شده در این اثر، با سه مؤلفه اساسی و سه ویژگی طراحی شده است که عبارت‌اند از: ۱. اصول و مبانی ارزشی و مؤلفه‌های مکتبی و اعتقادی به‌عنوان پایه، اساس و زیربنای تصمیم؛ ۲. شناخت راهبردی امام (ره)؛ و ۳. قدرت تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی امام (ره). در واقع، اصول و مبانی ارزشی و اعتقادی امام خمینی (ره)، به‌عنوان زیربنا و بنیان اصلی تصمیم‌های راهبردی ایشان در رأس هرم تصمیم‌گیری قرار داشته است.

<p>نویسنده در این مقاله با تحلیل مفهوم نگرش و تبیین مراحل تصمیم‌گیری تلاش کرده است تا با استفاده از منابع اسلامی، تأثیر نگرش‌ها بر تصمیم‌گیری را بررسی کند. وی مهم‌ترین و اصلی‌ترین نگرش برای مدیران مسلمان را «ایمان» و دیدگاه هستی‌شناسی و انسان‌شناسی را بخشی از زیرساخت ایمان معرفی می‌کند. وی معتقد است مدیران مسلمان با داشتن جهان‌بینی اسلامی، زمینه سودمندی را در تصمیمات خود به کار می‌گیرند.</p>	<p>۱۳۹۰</p>	<p>نقش نگرش‌های اسلامی در فرآیند تصمیم‌گیری</p>	<p>محسن منطقی</p>
<p>در این پژوهش نویسنده به تعریف تصمیم‌گیری از منظر منابع اسلامی و قرآن کریم پرداخته و پنج مؤلفه را به‌عنوان عواملی که در اتخاذ تصمیم مدخلیت دارند معرفی کرده است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: قدرت، اختیار، علم، آگاهی، شوق و علاقه و قوه تصمیم‌گیرنده در نفس انسانی.</p>	<p>۱۳۹۳</p>	<p>نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی</p>	<p>مرتضی جوادی آملی</p>
<p>در این مقاله مفهوم بصیرت با تأکید بر سه جنبه بصیرت نسبت به دین، مسأله و جامعه، به‌عنوان مؤلفه محوری در تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی بررسی شده است و عوامل مشورت، توکل، اخلاص و اعتدال‌گرایی به‌عنوان عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری اسلامی معرفی شده‌اند.</p>	<p>۱۳۹۴</p>	<p>طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی</p>	<p>روح‌الله رازینی و مهدی عزیزی</p>
<p>این پژوهش با هدف تعیین کمیت و کیفیت و سطح تحلیل استنادات قرآنی تصمیم‌گیری در منابع مدیریت اسلامی و با استفاده از روش فراتحلیل، انجام پذیرفته است. نگارندگان این پژوهش بر آن هستند که نظریه‌پردازی در منابع بررسی‌شده مبتنی بر رویکرد قرآنی نبوده و غالباً مطالب استنادی در حد تأیید و تطبیق</p>	<p>۱۳۹۶</p>	<p>رویکردهای نظریه‌پردازی آیات تصمیم‌گیری در منابع مدیریت اسلامی</p>	<p>امیرعلی لطفی و عبداله‌اشم میرزا</p>

<p>مطرح شده‌اند؛ بنابراین نظریه‌پردازی در حوزه تصمیم‌گیری از منظر قرآن انجام نشده است.</p>			
<p>این کتاب با استفاده از واژگان کلیدی، به تبیین پارادایم علوم انسانی — اسلامی می‌پردازد و در ادامه، با بیان چیرستی این پارادایم به ضرورت آن اشاره می‌کند. نویسندگان با تکیه بر نواقص دیدگاه غربی و رویکردی که تا کنون در مقابل دین و سکولاریسم داشته‌اند تعریف جدیدی از پارادایم‌های اسلامی و فلسفه آن ارائه و اهمیت و ضرورت چنین دیدگاهی را توضیح می‌دهند.</p>	۱۳۹۸	<p>واکاوی و فهم دلالت‌های پارادایم‌های چهارگانه فلسفی با رویکرد اسلامی</p>	<p>عباس چهاردولی و ابوالقاسم دل‌انگیز</p>
<p>در این مقاله، نویسنده سه مؤلفه همکاری، رقابتی و گفت‌وگو را به‌عنوان پارادایم‌های تصمیم‌گیری معرفی کرده و به اثبات این موضوع پرداخته است که در وضعیت تصمیم‌گیری‌های سیاسی پارادایم گفت‌وگو نسبت به دو پارادایم دیگر مناسب‌تر است. به نظر می‌رسد در این مقاله نیز منظور از پارادایم، الگوهای رفتاری است و نه آنچه در تعریف خاص مقاله پیش رو مدنظر است.</p>	۱۹۸۲	<p>پارادایم‌های تصمیم‌گیری</p>	<p>اُرلوا^۷</p>
<p>در این مقاله واژه پارادایم معادل با الگو در نظر گرفته شده است. هدف پژوهشگران این مقاله ارائه الگویی برای موفقیت در تصمیم‌گیری استراتژیک است که از دو نگرش اصلی مدیریتی تشکیل شده است: نگرش نسبت به فرآیند تصمیم‌گیری و نگرش نسبت به خود تصمیم. هر یک از این نگرش‌های مدیریتی، به‌نوبه خود به دو مجموعه از عوامل مهم تقسیم می‌شود که به ترتیب عبارت‌اند از: «دستیابی به اهداف مدیریتی و بازبودن فرآیند نسبت به محیط خارجی» و «ویژگی‌های داوری یا</p>	۱۹۹۵	<p>الگویی برای موفقیت در تصمیم‌گیری استراتژیک</p>	<p>هریسون و پلی‌تیر^۸</p>

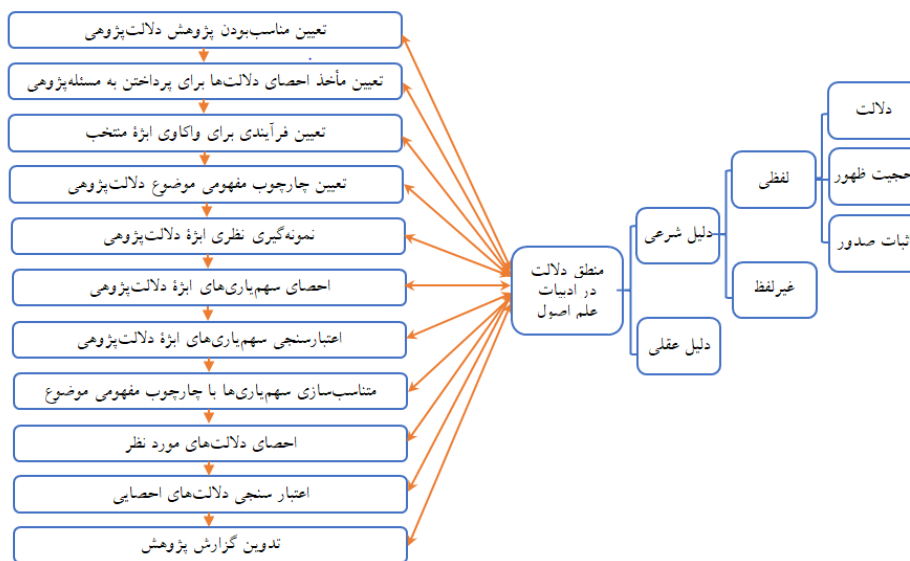
محاسباتی استراتژی مورد استفاده برای رسیدن به تصمیم و به حداکثر رساندن یا رضایت‌بخش بودن نتیجه حاصل از تصمیم‌گیری».			
در فصل پنجم این اثر، عوامل زیر به‌عنوان پارادایم‌های تصمیم‌گیری معرفی شده‌اند: 1. Rational Mod; 2. Bounded-Rationality Model; 3. Bargaining Model; 4. Participative Model; 5. Incremental Model; 6. Punctuated-Equilibrium Theory; 7. Polis Model; 8. Garbage Can Model (Multiple or Three Streams Model). نویسنده در این کتاب مفهوم پارادایم را با مدل، هم‌سان انگاشته است و به تبیین مدل‌های مذکور پرداخته است.	۲۰۱۰ ویرایش سوم	آغازگری رهبری استراتژیک	جراس ^۹
در این پژوهش ضمن تبیین شهود، عوامل و مؤلفه‌های اسلامی که بر شهود مدیران و تصمیم‌گیری آنها مؤثر هستند، شناسایی شده است. نتایج حاصل از این تحقیق، تبیین شهود در قالب الهام، رؤیت قلب، قوه تشخیص و نور الهی است که در قالب دو گروه پیشران‌ها و بازدارنده‌ها دسته‌بندی شده‌اند.	۲۰۱۵	شناسایی عوامل و مؤلفه‌های شهود در تصمیم‌گیری از دیدگاه قرآن کریم	لطف‌الله فروزنده دهکردی، محمد‌محمود میمنند، سعید عابسی و مهدی حدادزاده

منبع: یافته‌های پژوهش

۳. روش‌شناسی پژوهش

در تحقیقات حوزه دانش مدیریت استراتژیک و به‌طور خاص تصمیم‌گیری استراتژیک استفاده از دلالت‌پژوهی (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵، صص. ۳۹ - ۷۱) برای تدقیق، بهبود و بسط این دانش حائز اهمیت است. به‌ویژه آنکه بومی‌سازی حوزه‌های دانشی‌ای چون تصمیم‌گیری استراتژیک مبتنی بر هویت و فرهنگ اسلامی و استناد به قرآن کریم، حاجتمند دلایل متقن برای ارائه به جامعه علمی و فراگیرسازی آن است. به همین منظور در این پژوهش، برای دستیابی به دلالت‌های قرآنی درباره مبانی هستی‌شناسی

تصمیم‌گیری استراتژیک، برای تکمیل طرح پیشنهادی دانایی فرد، از فلسفه روش دلالت سخن‌رفته در علم اصول، بهره برده شده است.^{۱۰} در ترکیب فرآیند پیشنهادی این اندیشمند محترم با منطق پیشنهادی فلسفه اصول می‌توان از سازوکار دلالت‌پژوهی سخن گفت. اگرچه تدقیق مراحل انجام کار در روش‌شناسی پژوهش اهمیت دارد، یعنی پژوهش باید مرحله‌مرحله انجام شود ولی واقعیت این است که این فرآیند به صورت خطی غیرقابل برگشت انجام نمی‌شود؛ بلکه مدام بین مراحل بده - بستان صورت می‌گیرد. از این رو، در ترکیب فرآیند دلالت‌پژوهی با روش‌شناسی اجتهاد تفسیری از سازوکار پژوهش تفسیری یا سازوکار دلالت تفسیری سخن می‌رود. این سازوکار در شکل زیر به نمایش گذاشته شده است.



شکل (۱): ترکیب منطق دلالت با فرآیند دلالت‌پژوهی

منبع: یافته‌های تحقیق

گفتنی است برای تحلیل داده‌های استخراج‌شده از متن قرآن کریم با به‌کارگیری تحلیل مضمون و تحلیل محتوای کیفی، ابتدا شبکه مضامین مبتنی بر مضامین پایه‌ای،^{۱۱} سازمان‌دهنده^{۱۲} و فراگیر^{۱۳}، استخراج شد.^{۱۴} سپس، مبتنی بر مضامین فراگیر، دلالت‌های

مرتبط با موضوع پژوهش استخراج گردید. فرآیند این تجزیه و تحلیل به صورت زیر انجام گرفت:

۱. مطالعه متن سوره انفال و تفاسیر (المیزان، نمونه، مجمع‌البیان، فرقان، قرآن مهر، روز، نور و هدی و رشد) به منظور آشنایی و تسلط بر محتوای موضوعی سوره، به عنوان مأخذ احصای دلالت‌های مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک. گفتنی است این تفاسیر از نحله‌های گوناگون برجسته تفسیری، با تأکید بر اصالت روش شناخت استنباطی و استنتاجی، جامعه‌نگری، توجه به مسائل انسانی مبتنی بر رویکرد به آرمان قرآنی رشد (جریان پدیدار انسانی روبه امر نامتناهی غایی الهی است و توسعه (آکوچکیان، ۱۳۹۹، ص. ۵۷)) و توسعه بر مبنای آن (فرآیند و سازوکار برنامه‌ای جریان این پدیدار انسانی روبه آرمان برگزیده (آکوچکیان، ۱۳۹۹، ص. ۵۷)) و نیز توجه به دانش و مسائل معاصر و نیز عرصه کاربردی اجتهاد تفسیری و معرفت دینی، برگزیده شده‌اند. شایان ذکر است دستیابی به همه وجوه مبانی پارادایمی تصمیم‌گیری استراتژیک و از جمله هستی‌شناسی آن نیازمند بررسی کل قرآن کریم، به ویژه سور مدنی است؛ زیرا مضمون سوره‌های مدنی به طور کلی به «نظام‌سازی» و «تشکیلات و مسائل اجتماعی» و «قوانین شهری، قضایی، اجتماعی، دولتی، حقوقی و جنگ و صلح»، «نظام احکام اجتماعی» و «امور داخلی و خارجی جامعه مسلمان» می‌پردازد. از این رو، تبیین فعالیت‌های اجتماعی در این سوره‌ها و به خصوص نحوه مواجهه با جریان‌های معارض چون احوال و اقدامات منافقین و کفار، می‌تواند رهنمون مخاطبان برای آموختن اصول موضع‌داری، تصمیم‌گیری و عملکرد در برابر حوادث اجتماعی باشد.

نظر به آنچه گفته شد، در مجال این تحقیق، سوره انفال با توجه به داشتن تعداد آیات مناسب برای این پژوهش و به دلیل رویکرد جامعه‌شناخت راهبردی در سوره و پرداختن به مسائل اجتماعی مختلف و نحوه مواجهه و تصمیم‌گیری درباره این مسائل (به ویژه در حوزه مدیریت راهبردی) چونان نمونه‌های زیر انتخاب شد:

- ساختاربخشی عرصه فرهنگ و امر اجتماعی؛

- هویت‌گیری نظام سیاسی و بدین سان نظام مدیریت فراگیر مدنی؛

- مسائل مالی اسلام از جمله انفال و غنائم به عنوان پشتوانه بیت‌المال؛

- جنگ بدر و حوادث عبرت‌انگیز آن و ذکر صفات و امتیازات مؤمنان؛
 - احکام جهاد و وظایف مسلمانان در برابر دشمنان؛
 - احکام خمس و چگونگی تقسیم آن؛
 - لزوم آمادگی رزمی، سیاسی و اجتماعی برای جهاد در هر زمان و مکان؛
 - برتری نیروهای معنوی مسلمانان بر دشمن با وجود کمبود ظاهری نفرات آنها؛
 - حکم اسیران جنگی و شیوه رفتار با آنها؛
 - دستور بستن پیمان با مشرکان و ایستادن بر سر آن؛
 - رویارویی با جریان نفاق و مبارزه و درگیری با آنان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، صص. ۷۷ - ۷۸).
۲. ایجاد کدهای اولیه از میان آیات سوره انفال مبتنی بر استنباط پژوهشگر به مدد منابع تفسیری، مطابق با مرحله نمونه‌گیری ابژه دلالت‌پژوهی مستند به دستاورد تفسیری منابع تفسیری یادشده و نظام مرجع استنباطی و استنتاجی، به مدد همکاری و نظارت استاد پژوهشگر و متخصص تفسیر در این مقاله؛
۳. کشف درون‌مایه کدها و ایجاد مضامین پایه مبتنی بر استنباط و استنتاج پژوهشگر، با استفاده از دلایل عقلی^{۱۵} و لفظی^{۱۶} در ادبیات علم اصول، به‌منظور احصای سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی؛
۴. اعتبارسنجی سهم‌یاری‌های ابژه دلالت‌پژوهی به کمک متخصصان حوزه تفسیر و مطالعات قرآنی، حوزه روش‌شناسی و استراتژی؛
۵. پیوند مضامین پایه و ایجاد مضامین سازمان‌دهنده، به‌منظور متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی؛
۶. پیوند مضامین سازمان‌دهنده و ایجاد مضامین فراگیر، به‌منظور متناسب‌سازی سهم‌یاری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت‌پژوهی و احصای دلالت‌های مدنظر؛
۷. پیوند مضامین با مدل اولیه و تکمیل مدل بر اساس تحلیل مضامین و دستیابی به مدل نهایی و احصای دلالت‌های مدنظر؛
۸. اعتبارسنجی و روایی و پایایی دلالت‌های احصایی به کمک متخصصان حوزه تفسیر و مطالعات قرآنی، حوزه روش‌شناسی و استراتژی؛

دانایی فرد (۱۳۹۵) بر آن است که منطق دلالت‌ها و استحکام استنادی آنها می‌تواند در تعیین اعتبار دلالت‌ها بسیار تعیین‌کننده باشد. اما در پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای و رساله‌ای می‌توان دلالت‌های احصایی را در معرض قضاوت تعداد بیشتری از خبرگان قرار داد و میزان موافقت یا مخالفت خبرگان را و همین‌طور دلیل مخالفت‌ها را احصا کرده یا می‌تواند گزارش سهم‌یاری‌ها و دلالت‌ها را به صورت روایتی نه جدولی در اختیار خبرگان قرار داده و از آنها درخواست کند تا نظر کلی خود را اعلام کنند (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص. ۶۲). این پژوهش از رساله «فهم مبانی پارادایمی تصمیم‌گیری استراتژیک از منظر قرآن» استخراج شده و برای اعتبارسنجی دلالت‌های احصاشده در آن، از نظر خبرگان به صورت روایی بهره برده است.

گفتنی است، روایی و پایایی سکه‌های رایج در بازار پژوهش کمی هستند و در پژوهش‌های کیفی به‌طور اعم و مطالعات هرمنوتیکی متنی مانند پژوهش‌های کمی متداول نیستند؛ زیرا «افراد از یک پدیده ممکن است برداشت‌های متفاوتی داشته باشند» و تعمیم‌پذیری مدنظر پژوهشگران کمی در پژوهش‌های دلالتی چندان مدنظر نیست. در عین حال، در هر کدام از مراحل فرآیند پژوهش‌های دلالتی دقت لازم برای تقریب به روایی و پایایی صورت می‌گیرد. در مرحله احصای سهم‌یاری‌ها، در مورد سهم‌یاری‌هایی که برای نخستین بار احصا می‌شود، بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این امر کمک کند (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص. ۶۳). در این راستا، در این پژوهش، مراجعه مداوم به تفاسیر برای درک درست از مضامین و پیام آیات و استفاده از اجتهاد مفسر محقق این پژوهش و نیز نظر خبرگان دانشگاهی دیگر، راهنمای کار برای دستیابی به دقیق‌ترین و صحیح‌ترین اطلاعات و رعایت روایی و پایایی تحقیق بوده است.

۹. ساماندهی تحلیل نهایی و تدوین گزارش پژوهش و نشان‌دادن دلالت‌های قرآنی در فهم مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک، مبتنی بر روش کاربستی در ادبیات علم اصول.

۴. یافته‌های پژوهش

مبتنی بر طی فرآیند روش اشاره‌شده در قسمت قبل، با مطالعه مستمر تفاسیر در زمان پژوهش و استفاده از نظر همکار پژوهشی مفسر این تحقیق به یادداشت‌برداری از سرجمع

برداشت‌های ادراک‌شده از متن قرآن و تفاسیر منتخب، به کمک تحلیل مضمون و تحلیل محتوا در نرم‌افزار atlas.it پرداخته شد. در این راستا مفاهیم موجود در دانش مدیریت استراتژیک و به‌طور خاص تصمیم‌گیری استراتژیک و نیز آموزه‌های علم تفسیر و علم اصول در دستور کار قرار گرفته است. بهره‌گیری از این مفاهیم و آموزه‌ها نیز با تأکید بر روش‌شناسی استنتاجی تفسیری در برآیند دو نظام تفسیر ترتیبی و تنزیلی قرآن کریم و به‌طور خاص تفسیر سازوکاری پیشرفت‌شناخت قرآن کریم، هم در نحوه برداشت‌ها و هم در دلالت‌ها مدنظر قرار گرفته است. خروجی حاصل‌شده از فرآیند مذکور، پس از تأیید نهایی خبرگان، در جدول شماره (۲) داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ۲۰۴ کد اولیه، ۲۵ مضمون پایه و ۶ مضمون سازمان‌دهنده در ذیل یک مضمون دلالتی فراگیر، یعنی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک قرآن‌بنیان، حاصل فرآیند روش به کار گرفته‌شده در این پژوهش است که در ادامه به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

جدول (۲): تحلیل و تبیین یافته‌های پژوهش

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه (زیرتم)	کدهای اولیه (شماره آیات)
ماهیت واقعیت اجتماعی (عینی یا ذهنی-بودن) در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	ماهیت مسائل پیش روی مدیران و ضرورت تصمیم‌گیری راهبردی در متن این مسائل	۱، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۵۷، ۵۸
	حیث‌الهیاتی تصمیم‌گیری استراتژیک	۱۰، ۱۲، ۴۳، ۴۴، ۶۵، ۶۶، ۹، ۳۸، ۵۴
	چگونگی درک حوادث (شناسایی مسائل)	۱۷، ۲۱
	عیار انتخاب بدیل‌های پیش رو	۶۱، ۶۷
	زمینه‌های تحقق تصمیم‌های استراتژیک	۵۳، ۶۰
	ماهیت و کیفیت مناسبات اقدامی در تصمیم‌گیری استراتژیک	۶، ۱۱، ۱۶، ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۹، ۴۲، ۴۶، ۴۹، ۶۴، ۶۶، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵

	بازخوردگیری و پیامد حاصل از اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک	۶۷، ۵۰، ۳۶
نقش ماهیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	استعدادهای انسان	۴۴، ۴۳، ۲۹
	نیاز به تحقق خویشتن	۴۷، ۱۶، ۱۵
	اراده آزاد - اختیار و مسئولیت	۳۶، ۲۷، ۲۱، ۲۰، ۱۱، ۶
	نیاز به گروه اجتماعی (زندگی جمعی)	۷۲، ۳۸، ۴۶، ۵۳، ۶۶، ۷۲
نقش عاملیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	قدرت فرااختیار انسان	۱۹، ۱۷، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۳۰، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۵۴
	اوصاف ارزشی — هنجاری تصمیم‌های استراتژیک	۷۴، ۷۲، ۴۶، ۲۹، ۲۴، ۱
	فاعلان اصیل همگرا	۴۱، ۲۵، ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۷۲، ۵۷
	نقش عاملیت فاعلان در گام اجرای تصمیم‌های استراتژیک	۳۰، ۱۶، ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۶، ۳۶، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۷۰، ۷۴، ۷۲
سرنوشت پدیدارها در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	تأثیر رویکرد حق‌نگر در فرجام تصمیم‌های استراتژیک	۶۴، ۶۲، ۲۹، ۱۹، ۸، ۴، ۷۴
	تأثیر رویکرد باطل‌نگر در فرجام تصمیم‌های استراتژیک	۴۹، ۴۲، ۳۸، ۳۰، ۱۳، ۷۱، ۵۴
	فرجام زمینه‌سازی تسهیلات و همراهی یا عدم‌همراهی فاعلان و عواملان تصمیم‌های استراتژیک	۴۳، ۴۱، ۳۹، ۳۴، ۲۵، ۴۴، ۴۶، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۸۰
نقش سنت‌های الهی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	دامنه سنت‌های الهی	۴۹، ۴۳، ۴۱، ۱۷، ۱۰، ۵۳، ۶۱، ۶۷، ۶۹، ۷۰
	جایگاه سنت‌های الهی	۷۲، ۷۱، ۴۷، ۴۴

	آثار سنت‌های الهی	۱۳، ۱۹، ۲۵، ۳۰، ۳۹
		۷۵، ۶۶، ۴۶
جلوه‌گری حقیقت و رسم الهیاتی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک	اراده‌ورزی انسانی در راستای اراده الهی	۱۷، ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۵۳
	جریان اراده الهی در تصمیم‌های استراتژیک	۷، ۸، ۹، ۳۰، ۴۴، ۴۹
		۶۱، ۷۱
	زمینه‌های انسان‌شناخت جریان اراده الهی	۱۰، ۱۳، ۱۶، ۲۴، ۳۶
		۳۸، ۴۶، ۵۰، ۵۴، ۵۸
	ابزار تحقق اراده الهی	۱۱، ۱۲، ۲۹، ۴۳، ۴۴
		۶۲، ۷۱، ۷۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۱. ماهیت واقعیت‌های (عینی یا ذهنی بودن) اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک

از منظر هستی‌شناسی قرآن‌شناخت (هستی‌شناسی بر اساس چارچوب و مبانی آموزه‌های قرآنی)، هویت و اشیای جهان، فارغ از اینکه تحت ادراک مدرکان درآیند و مشاهده شوند یا خیر، در انواع، دسته‌ها و طبقه‌بندی‌های خاص خود تقرر دارند و برساخته آنها نیستند و خداوند، به عنوان تنها واقعیت غایی و ازلی ابدی شناخته می‌شود. این امر جهت‌بخش نوع تلقی مدیران درباره ماهیت مسائل پیش رو و نیز جهت‌بخش تصمیم‌گیری راهبردی ناظر به این مسائل است. بر این اساس سلامت و رمز بقای یک سازمان یا جامعه، در گروی حرکت و تکاپو در جهت مشیت حکیمانه الهی و بدین‌سان حیث الهیاتی یافتن تصمیم‌های استراتژیک است. بدین معنا که در مواجهه با عینیت‌های پیش رو، باید تصمیم‌گیری‌ها بر بنیان تجلی اسماء و صفات الهی و بر مدار نظام احکام و قوانین الهی باشد. در این راستا، قدرت عقل و خلاقیت و دیگر ظرفیت‌های انسانی مانند شهود (الهام، رؤیت قلب، قوه تشخیص و نور الهی) ابزارهایی هستند که قرآن به آنها اصالت می‌دهد تا به مدد آنها هر فاعل تغییری امکان‌شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و مدیریت آنها را بیابد. افزون بر ابزار شناسایی، هستی‌شناسی قرآنی عیار انتخاب بدیل‌های پیش روی تصمیم‌گیران استراتژیک را نیز مشخص کرده است و اشاره می‌کند که عیار

مرجع رسم زندگی و بر این مبنا، اخذ تصمیم‌های راهبردی، همواره باید مبتنی بر اصل انسانیت و حفظ شأن انسانی باشد.

آموزه‌های هستی‌شناخت قرآن کریم در گام زمینه‌سازی تحقق تصمیم‌های استراتژیک، رهنمون بهره‌مندی از هوش رقابتی و تجهیز سازمان به کارآمدترین امکانات و بنیة دفاعی تا حد شکل‌گیری ظرفیت بازدارندگی صف مخالفان و رقیبان است (مانند برداشت از آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ / ۶۰»). افزون بر سرمایه‌های فیزیکی و مادی، توجه به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی با افزایش کیفیت مناسبات به‌وسیله تربیت صف فاعلانی بااقتدار، آرام و مسلط بر موقعیت و نیز دارای انگیزه‌ای اصیل با آرایشی جمعی و مناسباتی، هماهنگ، پای‌بند، استوار و ثابت‌قدم مدنظر این آموزه‌های هستی‌شناخت قرآن کریم برای تحقق تصمیم‌های استراتژیک است (مانند برداشت از آیات «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رَجَزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ / ۱۱»؛ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبِكَ اللَّهُ وَمَنْ أَتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ / ۶۴»؛ «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَانَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مَائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ / ۶۶»؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَكَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا / ۷۲»؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا / ۷۴»؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ / ۷۵»).

آموزه تأمل‌برانگیز دیگر هستی‌شناسی قرآنی در این مضمون، رهنمونی صف فاعلان تصمیم‌های راهبردی حق‌مدار به توجه به بازه زمانی و پیامدهای یک تصمیم راهبردی است که تفاوت عمده‌ای با دانش رایج مدیریت استراتژیک دارد. در حقیقت، نتایج و پیامدهای این نوع تصمیم‌ها، فقط محدود به زیست دنیوی نمی‌شود و چگونگی مرگ و نیز حیات پس از مرگ یک فرد و اجتماع (سازمان) را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. کوتاه آنکه تصمیم‌های راهبردی از منظر قرآن، دارای ماهیتی آینده‌نگارانه (بازه زمانی بلندمدت) است که پیامدهای آن فراگیر دنیا و آخرت است (مانند برداشت از آیات «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ

يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ / ۵۰؛
«تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ / ۶۷».^{۱۷}

۲-۴. نقش ماهیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک

شناخت استعدادهای انسان در پرتوی آموزه‌های هستی‌شناسی قرآنی به تصمیم‌گیران استراتژیک کمک می‌کند تا مبتنی بر شناخت درست از انسان، اقدام به اخذ تصمیم‌هایی کنند که در چارچوب توانمندی‌های او است. در این راستا، می‌توان به استعدادهای برشمرده‌شده برای انسان در قرآن مانند بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرامادی (غیب، شهود و رؤیای صادقانه) یا عقلانیت و خلاقیت آدمی اشاره کرد (برای مثال از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا / ۲۹» سوره انفال این گونه برداشت می‌شود که این آیه، به تناسب عقلانیت و خلاقیت انسان اشاره می‌کند. این تناسب، با فرآوری در سطح گرایشی (ایمانی) و کنشی (عمل صالح)، ظرفیت‌ساز ورود به تقوا یا خودبانی رشد و از این مجرا، تصمیم‌گیری راهبردی انسان‌شناخت تغییر و تحول است. به سخنی دیگر، عقلانیت و خلاقیت آدمی هنگامی که مضراب ایمان یافت، زمینه‌ساز تقوا یا خودبانی رشد می‌شود و در پرتوی این خودبانی است که ظرفیت تشخیص درست از نادرست و حق از باطل در تصمیم‌گیرهای راهبردی شکل می‌گیرد. بر اساس آیه ۲۹ این‌گونه برداشت می‌شود که ایمان، جهت‌بخش عقلانیت و خلاقیت آدمی است و ظرفیت بلوغ آنها را تا مرحله تقوا و فرقان به همراه دارد). باید توجه داشت که وجود استعدادها در انسان و میل به فراتر رفتن از وجود منفعل و رسیدن به قلمروی هدفمندی و آزادی، از سر نیاز به تحقق خویش است. در راستای این میل است که فاعلان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک با جهت‌دهی تصمیماتشان در سمت‌وسوی حق‌مداری یا غیر آن، می‌توانند زمینه رشد و تعالی یا انحطاط و نابودی خود و سازمان خویش را فراهم سازند. همچنین می‌توان به قدرت اراده و اختیار اشاره کرد؛ با این توضیح که تصمیم‌گیران استراتژیک در انتخاب بسیاری از شرایط و عوامل، آزاد نیستند؛ بلکه در برخورد با شرایط، آزادند که هر نوع تصمیمی (خیر یا شر) را انتخاب کنند. بدین ترتیب شرایطی که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های استراتژیک هستند، ابزاری هستند برای انتخاب بهتر شدن یا سقوط کردن. در واقع وجود آزادی اراده در انسان، بهترین مؤلفه معنابخشی به زندگی و البته مسئولیت‌آفرین است.

همچنین می‌توان به نیاز انسان به جامعه و زندگی جمعی اشاره کرد که در راستای نیازی اساسی‌تر، یعنی معناجویی و تحقق خویشتن فهم‌پذیر است. لازمه این ویژگی، فرارفتن از خود و پیوستن به جامعه است. تصمیم‌گیری‌های استراتژیک نیز از همین چشم‌انداز تبیین‌پذیر است؛ چراکه تصمیم‌های کلان مستلزم همکاری جمعی است و از عهده یک فرد خارج است. بنابراین لازم است تا رهبران تصمیم‌گیرنده با ترسیم اهداف حق‌مدار و معنابخشی به تصمیم‌ها، اقدامات لازم برای همراهی دیگران را در تحقق آنها فراهم سازند.

۴-۳. نقش عاملیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک

در هستی‌شناسی قرآنی، اقتضای تحقق هر نوع کنش انسانی چونان تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، منوط به تحقق نظام قوانین حاکم بر هستی دو بعدی (عالم غیب و شهود) است. این مهم رهنمون سهم حضور قدرتی و رای اراده تصمیم‌گیران راهبردی و مقتضیات محیطی، یعنی اراده خداوند است. تبدیل چنین باورهای ارزش‌مداری به ایمان، عقیده و به فرهنگ و گفتمان سازمانی، منجر به شکل‌گیری هویت مشترک میان تفکر و چشم‌انداز با اهداف سازمان می‌شود و همه بر اساس ماهیت ارزش‌های توحیدی، سمت‌وسوی یکسان پیدا می‌کنند. بدین‌سان گام پیاده‌سازی تصمیم‌های استراتژیک، نقش اجرای ارزش‌ها را به خود می‌گیرد و موجب نهادینه‌شدن فرهنگ ارزش‌مدار الهیاتی در سازمان می‌شود. همواره باید در نظر داشت که بازیگر اصلی پذیرش ارزش‌های الهی و تحقق آنها در تصمیم‌های استراتژیک، قدرت اراده‌ورزی و خلاقیت فاعلان اصیل همگرا است. در عین حال تصویر ارائه‌شده از انسان در قرآن، در معرفی ویژگی‌های انسان و ارتباط‌های اجتماعی‌اش، به صورت یک کل واحد است که هم نشان‌گر تأثیرگذاری مثبت انسان است و هم نشان‌گر تأثیرگذاری منفی وی. به این قرار، فاعلان تصمیم‌های استراتژیک با پذیرفتن ارزش‌های الهی (ایمان، تقوا و...) و پیرایش وجودی،^{۱۸} همراهی کردن در حفظ اتحاد و انسجام داخلی سازمانی، داشتن انگیزه و دوری از فتنه در روابط و برخورداری از بینش آینده‌نگارانه در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، می‌توانند عامل تحقق‌پذیرفتن تصمیم‌های استراتژیک شوند یا بالعکس عمل کنند.

۴-۴. سرنوشت پدیدارها در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک

نوع پارادایم و به‌طور خاص هستی‌شناسی برگزیده (پارادایم قرآن‌بنیان یا پارادایم سکولار)، مرز تمایز و انفکاک اندیشه‌ی تصمیم‌گیرندگان راهبردی حق‌مدار با تصمیم‌گیرندگان غیرحق‌مدار، در جایگاه مغز متفکر سازمان از یکدیگر است. اندیشه و نظریه‌ی تصمیم‌گیری راهبردی حق‌مدار بخشی از تفکر دینی آنان است؛ چراکه اگر آنها به سازمان می‌اندیشند، آن را جدای از نظام خلقت و نیز وعده‌ی خداوند و هدف غایی دنیا، یعنی تحقق حق بر زمین نمی‌بینند. اساسی‌ترین هدف آنان در هر سازمان، رساندن آن به کمال مطلوب است و سازمان ایدئال در نظر آنان، سازمانی است که سازوکارش مطابق با آموزه‌های قرآن و سنت انبیاء و اوصیا است. در این رویکرد، هر تصمیم‌راهبردی‌ای که در مسیر حق باشد، همراهی خداوند با فاعلان حق‌مدار برای تحقق آن تصمیم حق‌مدار، همیشگی است و هر تصمیم‌راهبردی‌ای که خارج از مسیر حق و روی‌گردانی از آن باشد، فرجام نیک‌ی نخواهد داشت.

توجه به این نکته ضروری است که هستی‌شناسی قرآنی به نقش فاعلان تصمیم‌های راهبردی برای تعیین سرنوشت پدیدارهایی که در مدار تصمیم‌های آنها قرار می‌گیرند، نگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که سرنوشت هر ملت و تمدنی را منوط به بازیگری فاعلان و نوع انتخاب‌های آنها دانسته است. بدین‌سان نقش فاعلان و عاملان تصمیم‌های راهبردی، مهم‌ترین عامل مؤثر در زمینه‌سازی تسهیلات لازم برای تحقق (یا عدم‌تحقق) تصمیم‌های راهبردی است.^{۱۹}

۴-۵. نقش سنت‌های الهی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک

ایمان و کلامه ساداتی بر آن هستند که «سنت‌های الله، به مجموعه قوانین و قواعد طبیعی و ماوراءطبیعی موجود در کائنات گفته می‌شود که بی‌نهایت است و نظم کائنات و طبیعت را اداره می‌کند» (ایمان و کلامه ساداتی، ۱۳۹۸، ص. ۵۳۸). بدین‌سان، دامنه‌ی سنت‌های الهی، حاکم بر تمام هستی است. باور و پذیرش این مهم، یک پارادایم مرجع و تعیین‌کننده در نوع تصمیم‌گیری راهبردی فاعلان تغییر و تحول است تا در ساحت دامنه‌ی سنت‌ها، به تفسیر و تدبیر راهبردی آینده‌نگار در موقعیت‌های تصمیم‌گیری بپردازند.

الهی بودن سنت‌ها از اختصاصات قانونمندی جامعه در الگوی زیستی پیشنهادی قرآن کریم است؛ اما این امر در تعیین جایگاه نقش سنت‌ها در امور انسانی چونان تصمیم‌گیری‌های راهبردی، منافاتی با اراده‌ورزی فاعلان اجتماعی این تصمیم‌گیری‌ها، در ایجاد تغییر در حوزه سازمانی و اجتماعی ندارد^{۲۰} و به گفته شهید محمدباقر صدر، «سنت‌های الهی از زیردست انسان‌ها جریان می‌یابد» (صدر، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۸۸). بدین‌سان، بررسی سنت‌های اجتماعی، فاعلان تصمیم‌های راهبردی را قادر می‌سازد تا قوانین و نظام حاکم بر رخدادهای اجتماعی را کشف کرده، با شناخت روابط پدیده‌ها و رخدادهای اجتماعی، روند آنها را پیش‌بینی و با تصمیم‌گیری درست، آنها را مدیریت و کنترل کند.

۶-۴. جلوه‌گری حقیقت و رسم الهیاتی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک

برای همه رخدادهای چونان تصمیم‌گیری‌های راهبردی، فاعلان پدیداری در میان است و فاعلیت خداوند در طول فاعلیت این فاعلان است؛ اما استناد افعال انسان به اراده خداوند متعال، منافاتی با استناد آنها به خود وی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). بنابراین اراده‌ورزی تصمیم‌گیرندگان راهبردی در راستای اراده الهی جریان دارد و هیچ تصمیم‌گیرنده‌ای نمی‌تواند اراده خود در شکل‌گرفتن تصمیم‌های راهبردی را نفی کند و از مسئولیت و عواقب احتمالی آنها شانه خالی کند. در واقع اراده و مشیت خداوند همه چیز را در بر می‌گیرد؛ اما انتساب هر چیزی به اراده خداوند از مجرای علت خود است. بنابراین جریان اراده الهی حتی در انتساب افعال انسانی، چونان تصمیم‌گیری‌های راهبردی، از طریق خود تصمیم‌گیرندگان و اختیار و اراده آنها است (مطهری، ۱۳۷۰، صص ۵۰ - ۵۱). فاعلان تصمیم‌گیری‌های راهبردی با هم‌راستاشدن با اراده الهی - در ذیل نظام علت و معلولی حاکم بر جهان - می‌توانند به عنوان یک فاعل مؤثر، بر سرنوشت و آینده خود و سازمان‌شان تسلط یابند. از چشم‌انداز همین نسبت انسان با خداوند است که زمینه‌های انسان‌شناخت جریان اراده خداوند را می‌توان تحلیل کرد. یکی از زمینه‌های یادشده، چگونگی اراده خداوند در همراهی فاعلان راهبردی حق‌مدار، با ایجاد اطمینان خاطر در قلب آنان در موقعیت‌های بحرانی است. توجه به مضمون آیات سوره انفال مانند آیات «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ

وَيَذْهَبَ عَنْكُمُ رَجَزَ الشَّيْطَانِ وَلَيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ / ۱۱؛ «إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ / ۱۲؛ «إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَاهُمْ كَثِيرًا لَفُشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ / ۴۳» و «وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ اتَّيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ / ۴۴» و دیگر سوره‌های قرآن حاکی از آن است که گستره ابرار تحقق اراده الهی، همه هستی است. باور به گستره قدرت خداوند در تحقق اراده‌اش و حاکم شدن حق بر زمین، امیدبخش تصمیم‌گیرندگانی است که بر أخذ و تحقق تصمیم‌های حق‌مدار همت می‌ورزند؛ همچنان که هشداری است برای آنان که راه دیگری پیش گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فرآوری درون‌زای جنبش نرم‌افزاری و در این راستا نهضت تولید علم دینی چونان دانش تصمیم‌گیری استراتژیک قرآن‌بنیان منوط به تولید علم از متن آموزه‌های وحیانی است؛ چراکه حل مسائل و چالش‌های راهبردی اجتماعی و تمدنی خودویژه هر جامعه‌ای، چونان جامعه اسلامی - ایرانی، نیازمند دانش درون‌زای آن جامعه است. اولین عامل تعیین‌بخش هویتی هر دانشی و برای نمونه دانش تصمیم‌گیری استراتژیک نیز مبانی پارادایمی حاکم بر آن است. بدیهی است که به‌منظور دستیابی به علم تصمیم‌گیری استراتژیک قرآن‌بنیان، راهی جز ایجاد پارادایم نوین و دینی در فضای این رشته وجود ندارد. از طرفی چنانچه فعالیت‌ها و پژوهش‌های علمی، از مبانی پارادایمی مستحکمی برخوردار نباشند یا از پارادایم‌های متناقض استفاده کنند، اعتبار نظری و تجربی (اجرایی) لازم را نخواهند داشت. به همین علت، تلاش‌های علمی که فاقد استدلال نظری هستند، از ناتوانی در اجرا رنج می‌برند. بدین‌سان می‌توان به‌علت بخش عمده‌ای از شکست تصمیم‌های استراتژی سازمانی پی برد؛ چراکه مهم‌ترین مشکل استفاده از پارادایم‌های مختلف و گاه متناقض در تدوین برنامه‌های استراتژی یک سازمان، عدم امکان اجرای مطلوب آن است.

این پژوهش مبتنی بر شکل‌گیری تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، در فضای جامعه‌ای که ادعای ورود جهان‌بینی اسلامی به دنیای اجتماعی را دارد، با معرفی نمونه مبانی

پارادایمی هستی‌شناسی قرآن‌بنیان آن، سعی در زمینه‌سازی برای تنظیم شبکه‌ای از سطح اندیشه و معرفت (دانش) تا سطح تجربی این حوزه دانشی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی را دارد. در این راستا، مبنی بر سازوکار ترکیبی روش دلالت‌پژوهی و منطق دلالت در ادبیات علم اصول، با استناد به سوره انفال کوشش شده است تا با استفاده از تحلیل مضمون و تحلیل محتوا، نمونه‌هایی از دلالت‌های مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی مرتبط با موضوع تصمیم‌گیری استراتژیک فهم و تبیین شود. حاصل این فرآیند استخراج ۲۰۴ کد اولیه، ۲۵ مضمون پایه و ۶ مضمون سازمان‌دهنده، در ذیل مضمون دلالتی فراگیر مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک بود که در ادامه به اختصار تبیین می‌شوند:

۱. ماهیت واقعیت‌های اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک: در هستی‌شناسی قرآن‌بنیان، واقعیت مستقل از ذهن انسان بوده، از ذات سرمدی الله تجلی می‌کند و افزون بر عالم ماده، قسمت عمده‌ای از آن متوجه عالم غیب است. این نگاه رهنمون نوع جهان‌بینی توحیدی تصمیم‌گیران استراتژیک هنگام مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی و حیث الهیاتی‌یافتن تصمیماتشان در شناسایی مسائل راهبردی و تصمیم‌گیری‌هایشان است. در این راستا هستی‌شناسی قرآن‌بنیان، منابع معرفتی در اختیار فاعلان راهبردی (شامل عقل، نقل، وحی، تجربه و شهود (الهام، رؤیت قلب، قوه تشخیص و نور الهی) و نیز قدرت خلاقیت) را به عنوان ابزاری برای شناسایی مسائل و حل آنها معرفی می‌کند و ملاک و عیار انتخاب بدیل‌های پیش رو را مبتنی بر اصل انسانیت، حفظ شأن انسانی و جریان رشد - توسعه در این عرصه معرفی می‌کند. همچنین به منظور زمینه‌سازی تحقق تصمیم‌های راهبردی حق‌مدار، رهنمون بهره‌مندی از هوش رقابتی و تجهیز سازمان به کارآمدترین امکانات و نیز افزایش کیفیت مناسبات با تربیت صف فاعلانی با اوصاف خودویژه قرآنی است. آموزه تأمل‌برانگیز درباره پیامدهای حاصل از تصمیم‌های راهبردی آن است که هستی‌شناسی قرآنی، برخلاف زمان و پیامد نتایج در عرف تصمیم‌گیری‌های راهبردی که محدود به زمان - مکان دنیایی است، پیامدهای آنها نه تنها حیات مادی که زندگی پس از مرگ فرد و اجتماع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این قرار، تصمیم‌گیرندگان استراتژیک در نسبت با مسائل پیش رو، به کمک عقلانیت خویش، مسائل و نیز قواعد عام مستقل از ذهن بشری را جست‌وجو و برای حل آن مسأله، اقدام

به طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند و به مدد خلاقیت (در عینیت‌بخشی آن قابلیت‌های عقلی، نقلی، وحی، تجربی و شهودی) خویش، تصمیم‌ها را اجرا و در چارچوب سنت الهی تغییر و تحولی آینده‌نگارانه ایجاد می‌کنند.

۲. نقش ماهیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک: شناخت ماهیت (از استعدادهای ذاتی مانند عقلانیت، خلاقیت، قدرت اراده‌ورزی تا بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرامادی چون غیب و شهود) انسان افزون بر آنکه مبنایی برای شکل‌گیری برخی علوم چونان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... است، منجر به توسعه سایر علوم چونان دانش مدیریت استراتژیک و به‌طور خاص تصمیم‌گیری راهبردی می‌شود. توجه به انسان در دانش مدیریت راهبردی و نیز کنش انسان در حکم استراتژی، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، مستلزم هستی‌شناسی متفاوتی از وی است. این مهم برای تصمیم‌گیران استراتژیک، در برنامه‌ریزی‌های کلان نقش اساسی دارد. به سخنی دیگر، در همه علوم انسانی و به‌طور خاص دانش تصمیم‌گیری استراتژیک، با ارائه درکی پارادایمی از انسان، زمینه انسان‌شناسی تجربی فراهم می‌گردد. بدین‌سان، معرفت پارادایمیک با ارائه معرفت علمی از انسان، بسترساز عرضه مدل رفتاری مناسب در موقعیت‌های گوناگون مانند تصمیم‌گیری‌های راهبردی است. برای نمونه، همان‌طور که از آیات «وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رَجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ/ ۱۱»؛ «الآن خفف الله عنكم وعلم أن فيكم ضعفاً فإن يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين وإن يكن منكم ألف يغلبوا ألفين بإذن الله والله مع الصابرين/ ۶۶» و «إن الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله والذين آووا ونصروا أولئك بعضهم أولياء بعض والذين آمنوا وكم يهاجروا ما لكم من ولایتهم من شيء حتى يهاجروا/ ۷۲» برداشت می‌شود، شناخت ماهیت انسان به مدیران و تصمیم‌گیرندگان استراتژیک کمک می‌کند تا به این مهم آگاه باشند که همه انسان‌های عمل‌کننده در یک تصمیم راهبردی لزوماً در موقعیت معیار و مناسب نیستند. ضعف یا توان‌مندی در قوای جسمانی یا روحانی افراد، ویژگی‌های شخصیتی و استعدادهای ذاتی متفاوت آنها باعث برخوردهای ناهمسان‌شان با شرایط می‌شود و در سرنوشت تصمیم‌های راهبردی اثرگذار است. به این

قرار، شیوه مدیریت منابع انسانی با توجه به ویژگی‌های آنها و اقتضائات محیطی، می‌تواند منجر به تحقق یا عدم تحقق تصمیم‌های استراتژیک شود.

قرآن کریم با تعیین مبانی رفتاری چون ایمان، عمل صالح، تقوا و... (در برداشت از نمونه آیه ۲۹) و با توجه به قدرت اختیار فاعل تصمیم‌گیرنده (در برداشت از نمونه آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ / ۵۳») این زمینه را مهیا می‌سازد تا وی با استفاده از عقلانیت و خلاقیت خویش و سایر ظرفیت‌هایش چون بهره‌مندی از ظرفیت‌های عالم غیب، به طراحی مدلی در روش تصمیم‌گیری‌های راهبردی اقدام کند که بستر تحقق خویشتن و بلکه فراتر از آن را برای وی فراهم کند. در این فراز باید به نیاز انسان به جامعه و زندگی جمعی نیز اشاره کرد که در راستای نیازی اساسی‌تر، یعنی معناجویی و تحقق خویشتن فهم‌پذیر است. تصمیم‌گیری‌های استراتژیک نیز از همین چشم‌انداز تبیین‌پذیر است؛ چراکه تصمیم‌های کلان مستلزم همکاری جمعی است و از عهده یک فرد خارج است. افزون بر آنکه روح حاکم بر سازمان یا جامعه سازنده بخشی از شخصیت فاعلان راهبردی است. بنابراین لازم است تا رهبران تصمیم‌گیرنده با ترسیم اهداف حق‌مدار و معنابخشی به تصمیم‌ها از این چشم‌انداز، اقدامات لازم برای حاکم‌ساختن روح و فرهنگ حق‌مدار در سازمان و نیز همراهی دیگران در تحقق آنها را فراهم سازند.

۳. نقش عاملیت انسان در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک: قرآن در مثل سوره بقره در آیات ۳۰ تا ۳۹، انسان را جانشین خدا بر روی زمین معرفی می‌کند و همه هستی را مسخر او می‌داند. قرآن برخلاف مکاتب دیگر، برای انسان ارزشی مافوق همه هستی قائل است. اگر همه هستی در تسخیر انسان است تا بتواند به خواسته‌ها و تصمیم‌های خویش جامعه عمل ببوشاند، در مافوق انسان‌ها، خداوند مالک همه هستی و انسان است. بدین‌سان طبیعی است خواست و اراده خداوند در طول خواست و اراده آدمی قرار دارد و بر این اساس، عاملیت خداوند در تحقق همه امور و برای نمونه تصمیم‌گیری‌های راهبردی، در طول عاملیت انسان قرار دارد. به این قرار، تصمیم‌گیرندگان راهبردی در منظومه سنت‌مدار هست‌ها و بایدها که تمامی به فاعلیت خداوند پیوست دارد، عمل اراده‌ورز دارند. اراده‌ورزی تصمیم‌گیرنده بر جای خویش است و قاعده‌مندی عالم نیز بر جای خویش.

از محصول این دو فاعلیت، برای نمونه «عمل در موقعیت راهبردی یا مرحله اجرا در تصمیم‌های راهبردی» برمی‌آید؛ توجه به این نکته الزامی است که نباید وقوع حوادث فقط به حوزه اختیار انسان‌های یک سازمان یا اجتماع نسبت داده شود و باید سهم حضور قدرت برتری که ناظر به این حوادث است و فاعلیت انسانی در راستای او، معنی‌دار می‌شود و گاه خواست او با خواست برخی از تصمیم‌گیران در یک سمت و سو قرار ندارد نیز در نظر گرفته شود. همچنین باید در نظر داشت که اراده‌دورزی آزاد (و به این ترتیب تأثیرگذاری مثبت یا منفی در تحقق تصمیم‌های راهبردی) تصمیم‌گیرندگان راهبردی حق‌مدار به عنوان فاعلان اصیل همگرا با رسم الهیاتی، در بستر ارزش‌های قرآن‌بنیان، هویت خودویژه الهی می‌یابد و در مجرای اتخاذ و اجرای تصمیم‌های راهبردی حق‌مدار، فرهنگ و گفتمان توحیدی (در برداشت از نمونه آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» (۷۴)) را در سازمان یا جامعه رونق می‌بخشد.

کوتاه آنکه، اگر استراتژی را معادل با آنچه افراد یک سازمان (جامعه) به گونه‌ای روشمند انجام می‌دهند، در نظر گیریم، آنگاه تحقق یا عدم تحقق تصمیم‌های استراتژیک در عینیت بخشیدن به آرمان و نظام برگزیده الهی، منوط به اراده آزاد فاعلان و مجریان این گونه تصمیم‌ها بر مدار یک نظام ارزشی و روشی الهی در نوع انتخاب‌هایشان است.

۴. **سرنوشت پدیدارها در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک:** نوع پارادایم و به‌طور خاص هستی‌شناسی برگزیده، مرز تمایز اندیشه تصمیم‌گیرندگان راهبردی حق‌مدار با تصمیم‌گیرندگان غیرحق‌مدار است. آنها سازمان را جدای از نظام خلقت و نیز وعده خداوند و هدف غایی دنیا، یعنی تحقق حق بر زمین نمی‌بینند و سازمان ایدئال در نظر آنان، سازمانی است که سازوکارش مطابق با آموزه‌های قرآن و سنت انبیاء و اوصیا است. در این رویکرد، هر تصمیم راهبردی‌ای که در مسیر حق باشد، همراهی خداوند با فاعلان آن همیشگی است و بالعکس. نکته درخور تأمل دیگر در این فراز، توجه به نقش فاعلان و عواملان تصمیم‌های راهبردی، در زمینه‌سازی تسهیلات لازم برای تحقق (یا عدم تحقق) تصمیم‌های راهبردی است. به گونه‌ای که قرآن سرنوشت هر ملت و تمدنی را منوط به بازیگری فاعلان و نوع انتخاب‌های آنها دانسته است. به این قرار هر پارادایم، جهان‌بینی

و نظام اندیشه‌ای و فکری درباره‌ی شأن و منزلت و جایگاه انسان در هستی و میزان اختیار و توانمندی او در انجام امور مختلف و نیز میزان اثرگذاری وی بر پدیده‌های هستی یا اثرپذیری‌اش از آنها، جهت‌بخش تصمیم‌های راهبردی و نوع عملکرد افراد است. انسان معتقد به هستی‌شناسی الهیاتی، با تعریف جایگاه و منزلت خویش به عنوان «خلیفة‌الله» خود را در محدوده‌ی توانمندی‌ها و اختیارات انسان معرفی شده در قرآن می‌بیند و بر همین مبنا در چارچوبه‌ی قوانین عالم هستی (سنت‌های الهی) و رو به جهت امر نامتناهی غایی الهی تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند. ویژگی انتخاب‌گری انسان و نوع انتخاب‌ها و تصمیم‌های برگزیده‌اش چه در راستا و سمت‌وسوی حق و چه در راستا و سمت‌وسوی غیرحق، سرنوشت وی و پدیدارهای در اختیارش را رقم می‌زند.

۵. نقش سنت‌های الهی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک: دامنه‌ی سنت‌های الهی، حاکم بر تمام هستی است. در این راستا، سنت‌های الهی بستر هستی‌شناخت رخداد اراده‌ورزی انسانی و جریان رویکرد آینده‌نگار حکمت‌بنیان در همه‌ی امور و برای نمونه تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند. به این فاعل تصمیم‌گیرنده در همه‌ی موقعیت‌های تصمیم‌گیری با اتصال به اسماء الهی (جهت‌گیری بر مدار وصفی از اوصاف خداوند در تحقق وجودی از جمله بر مدار اسم و صفت غفور و رحیم «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ / ۶۹ و ۷۰») جریان خودبودگی و خودشدگی را تجربه می‌کند و بر این مدار، به تفسیر و تدبیر راهبردی آینده‌نگار در موقعیت‌های تصمیم‌گیری می‌پردازد. از سوی دیگر، باید به این نکته توجه کرد که الهی‌بودن سنت‌ها از اختصاصات قانونمندی جامعه در الگوی زیستی پیشنهادی قرآن کریم است؛ این قوانین همچون قوانین طبیعی در طول اراده‌ی الهی هستند و در قلمروی اراده‌ی او عمل می‌کنند. بر این اساس جوامع و سازمان‌های توحیدی، بر مدار این بینش و باور به هستی‌سنت‌مدار، در سمت‌وسوی جاذبیت الهی، در حرکت هستند (برداشت از آیه «وَأِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ / ۴۴») و همه‌ی امور انسانی از جمله تصمیم‌گیری‌های راهبردی را در این چارچوب تعریف و راهبری می‌کنند.

کوتاه آنکه، کلیت، ثبات، تغییرناپذیری، مطابقت با واقع و دیگر خصوصیات سنت‌های الهی، فاعلان و عاملان تصمیم‌گیری‌های راهبردی را قادر می‌سازد تا از شناخت پدیداری و تجربی واقعیت‌های اجتماعی به شناخت متافیزیکی، علی و عمیق دست یابند. برای

نمونه باور تصمیم‌گیرندگان به سنت همراهی خداوند با فاعلان صابر حق‌مدار، هم عیار جهت‌داری تصمیم‌های راهبردی‌شان (برداشت از آیات «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ/ ۴۶» و «الآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ/ ۶۶») قرار می‌گیرد و هم امیدبخش و انگیزه‌بخش آنان هنگام مواجهه با دشواری‌های مسیر تحقق این‌گونه تصمیم‌ها است.

۶. جلوه‌گری حقیقت و رسم الهیاتی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک: بهره‌راهبردی دلالت فصل هستی‌شناسی قرآن‌بنیان در جلوه‌گری حقیقت و رسم الهیاتی در حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک، تحلیل این نظریه مناسب است که تصمیم‌گیری استراتژیک در افق دین‌شناخت، عبارت است از الگوی روشمند پیوست اراده‌ورزی انسانی با سطوح اراده‌ورزی الهی و سنت‌های الهی، در موقعیت‌های گوناگون فردی و اجتماعی (سازمانی)، برای شناسایی، حل و آینده‌نگاری مسائل راهبردی پیش رو. به سخنی دیگر، خداوند فرصت هرگونه تغییر و تحولی را به فاعل تصمیم‌گیرنده سپرده است تا بتواند مبتنی بر آزادی و انتخاب و تصمیم خود در راستای اراده الهی، اراده خویش را محقق سازد. به این قرار تصمیم‌گیرندگان راهبردی با هم‌راستاشدن با اراده الهی - در ذیل نظام علت و معلولی حاکم بر جهان - می‌توانند به‌عنوان یک فاعل مؤثر، بر سرنوشت و آینده خود و سازمان یا جامعه‌شان مسلط شوند.

از چشم‌انداز همین نسبت انسان با خداوند می‌توان زمینه‌های انسان‌شناخت جریان اراده خداوند را تحلیل کرد، مانند چگونگی اراده خداوند در همراهی فاعلان راهبردی حق‌مدار با ایجاد اطمینان خاطر در قلب آنان در موقعیت‌های بحرانی. نکته درخور تأمل دیگر در این فراز، توجه به گستره ابزار تحقق اراده الهی است. باور به گستره قدرت خداوند (همه هستی) در تحقق اراده‌اش و حاکم‌شدن حق بر زمین، امیدبخش تصمیم‌گیرندگانی است که بر أخذ و تحقق تصمیم‌های حق‌مدار همت می‌ورزند؛ همچنان که هشدار است برای آنان که راه دیگری پیش گرفته‌اند. برای نمونه یکی از مجراهای جریان اراده الهی استغاثه، دعا و توکل است (برداشت از آیات «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبِّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ / ۹»؛ «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي

قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هُوَ لَاءَ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ / ۴۹» و «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ / ۶۱» که در سوره انفال با نمونه موقعیت‌های راهبردی تعامل با جریان‌های مخالف و معارض (جنگ بدر) این امر نشان داده شده است. در خواهانی تغییر شرایط بحرانی که پیش روی فاعلان راهبردی قرار می‌گیرد، افزون بر اقدام به تصمیم‌گیری‌های راهبردی و اجرای آنها، فاعلان راهبردی مؤمن از مجرای دعا و توکل و کسب معرفت و حکمت حقیقی و برخوردار از نفسی پالوده و مهذب، سنخیت وجودی بیشتری با خداوند یافته و اراده خویش را هم‌راستا با اراده خداوند می‌کنند. به تعبیری استجابت به این معنا نیست که خدا تأثیر می‌پذیرد و در تکوین تصرف می‌کند و دعا را مستجاب می‌کند، بلکه اگرچه فاعل اصلی خداوند است، آنچه تغییر و انفعالی در آن ایجاد می‌شود مدعو نیست، بلکه داعی است. بر این اساس، فاعلان تصمیم‌گیری‌های راهبردی با هم‌راستاشدن با اراده خداوند میزان سعه تصرفشان در عالم بیشتر خواهد شد و تسلط نسبی بر شرایط پیش رو خواهند یافت (دهقان، ۱۴۰۰، ص. ۲۲۱).

نتیجه بررسی کامل ادبیات و تحلیل موضوع حاکی از آن است که پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک از زوایای مختلف، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که برای نمونه و البته «به‌ندرت» در برخی از این آثار می‌توان ردپای پارادایم تصمیم‌گیری و به‌طور خاص تصمیم‌گیری استراتژیک را پی‌گیری کرد؛ مهم‌ترین وجه تمایز آثار اشاره‌شده با این پژوهش در برداشت از مفهوم پارادایم و گزینش آن و نیز درون‌سازی روش‌شناخت قرآنی آن است. جست‌وجوی در آثار مختلف نشان می‌دهد این مفهوم گاه به مفهوم مدل یا الگو تقلیل یافته و از مفهوم اصلی خویش فاصله گرفته است. بدین‌سان نویسندگان چنین آثاری با معرفی مدل‌های مرسوم تصمیم‌گیری مدعی ارائه پارادایم‌های تصمیم‌گیری شده‌اند که برای نمونه می‌توان به آثار آلن و کوتس^{۲۱} (۲۰۱۲)، جراس^{۲۲} (۲۰۱۰) و... اشاره کرد.

در برخی از آثار نیز ترکیب چند نظریه یا مدل، به عنوان پارادایم تصمیم‌گیری معرفی شده است، برای نمونه گلدف^{۲۳} (۲۰۰۰) ترکیب سه حوزه ارزیابی ریسک، تئوری آشوب و مدیریت استراتژیک را یک پارادایم جدید در تصمیم‌گیری می‌داند. این حوزه‌ها مبنایی

برای ارزیابی شرایط محیطی و انتخاب بدیل‌ها در تصمیم‌گیری هستند؛ اما نوع نگاه و تفکر حاکم بر نحوه ارزیابی ریسک، تئوری آشوب و مدیریت استراتژیک است که سازنده پارادایم است و نه خود این عوامل.

برخی نیز مانند اوپنهایمر و کلاسو^{۲۴} (۲۰۱۵) ترکیب علوم شناختی با علم تصمیم‌گیری را به عنوان پارادایم جدید در تصمیم‌گیری معرفی می‌کنند؛ در حالی که این علوم کمک شایانی به شناخت آنچه در پس ذهن تصمیم‌گیرندگان می‌گذرد، می‌کند؛ نمی‌توانند مبنایی برای شناخت پارادایم‌های تصمیم‌گیری باشند.

به این قرار، به نظر می‌رسد هنوز برداشت درستی از مفهوم پارادایم و کاربرد آن در این آثار نشده است. جایگزینی مفهوم پارادایم با مفاهیم دیگر یا رویکردهایی که خود بر اساس پارادایم شکل گرفته‌اند یا صرف ترکیب نظریه‌ها یا علوم دیگر با بحث تصمیم‌گیری استراتژیک نمی‌تواند سامان جامع این مفهوم را پوشش دهد.

در پژوهش‌های اسلامی در حوزه مبانی پارادایمی تصمیم‌گیری استراتژیک با رویکرد اسلامی (قرآنی) نیز باید گفت، کاستی عظیمی در این بحث دیده می‌شود که لازم است تا علاقه‌مندان این حوزه، اهتمام جدی‌تری را پیشه راه سازند. در واقع، در پژوهش‌های با رویکرد اسلامی بیشتر می‌توان رد پای بحث پارادایم‌ها را در حوزه سازمان‌ها و مباحث کلی دانش مدیریت یافت که برای نمونه می‌توان به آثار دانایی‌فرد (۱۳۸۶)، گائینی و حسین‌زاده (۱۳۹۱)، دیالمه (۱۳۹۳)، کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی (۱۳۹۸) و نیز گائینی (۱۳۹۹) اشاره کرد. اگرچه این نمونه آثار نیز ورود درون‌زای تفسیری و اجتهادی در عرصه قرآن‌پژوهی پارادایمی نداشته‌اند.

پژوهش‌های حوزه تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی نیز بیشتر به موضوعات مؤثر بر مبانی پارادایمی یا منابع معرفتی آن (مانند تأثیر فرهنگ اسلامی بر تصمیم‌گیری، در آثاری چون: علوی، ۱۳۸۶؛ گودرزی، ۱۳۸۶ و...؛ تأثیر عدالت بر تصمیم‌گیری، مانند: دهقانی، شکرانی و نقشینه ارجمند، ۱۳۹۱ و...؛ بررسی الگوهای اسلامی تصمیم‌گیری، مانند: رازینی و عزیز، ۱۳۹۴؛ خاشعی، ۱۳۹۴ و...) یا بررسی شهود در تصمیم‌گیری (مانند رحمانی، ۱۳۹۵؛ حدادزاده، ۱۳۹۷ و...) اشاره کرده‌اند؛ اما هیچ‌کدام با وصف تفصیلی

فلسفه دینی تا هستی‌شناختی تا معرفت‌شناختی، با یک فراوری درون‌زای روش‌شناخت، به تبیین کامل این بحث نپرداخته‌اند.

به مدد این دستاورد تازه هستی‌شناخت در تصمیم‌گیری استراتژیک، دستاوردهای کاربردی بهینه‌ای اتفاق می‌افتد که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. بررسی مبانی هستی‌شناسی قرآن‌بنیان به همراه سایر مبانی پارادایمی، منجر به شکل‌گیری یک نظام دانشی ژرف‌تر در استناد به آموزه‌های دین (قرآن)، برای تولید نظریه درون‌زای تصمیم‌گیری استراتژیک و به این قرار تعیین هویتی نظریه و دانش تصمیم‌گیری استراتژیک در جوامع اسلامی بر مبنای آموزه‌های دین (قرآن) می‌شود؛

۲. استراتژی‌ها و برنامه‌های استراتژی سازمان از هر دو جنبه نظر و عمل بایستی ارزیابی شود و بررسی هر دو جنبه، روش‌های خاص خود را دارد. در این راستا، وجود یک نظریه مبنا و خودویژه قرآنی در دانش و به‌طور خاص تصمیم‌گیری استراتژیک، تعیین‌کننده هویت ساختاری استراتژی‌های سازمانی و نیز زمینه‌ساز تحلیل محتوای مبانی هستی‌شناسی و سایر مبانی پارادایمی تصمیم‌ها و برنامه‌های استراتژی سازمانی است. این مهم منجر می‌شود تا به دور از تعصبات نظری مدیران و تصمیم‌گیران، به صورت منطقی و علمی، میزان مطابقت مبانی نظری با فرآیندهای اجرایی‌سازی ارزیابی و تطبیق شود.

۳. اگرچه استراتژی‌های فراوانی در سازمان‌های دولتی و خصوصی اسلامی طراحی و تدوین می‌شود؛ خلط پارادایمی در قسمت‌های مختلف ساختار سازمانی (مالی، منابع انسانی، تولید و...)، به علت وجود تزاخم به هنگام عملیاتی‌سازی‌شان، مانع از اجرای آنها می‌شود. گزینش، جاری‌سازی و نهادینه‌سازی مبانی پارادایم قرآن‌بنیان (و به‌طور خاص هستی‌شناسی قرآن‌بنیان) افزون بر درون‌زاسازی استراتژی‌ها و تصمیمات مربوط به آنها، منجر به یکدست‌شدن و هماهنگی بین بخش‌های مختلف، جلوگیری از خلط پارادایمی، هدررفت منابع و به این قرار تحقق استراتژی سازمان می‌شود. به سخنی دیگر، به گفته ایمان (۱۳۹۲): «سطح نظری و عملیاتی، در تعامل سازمان یافته و فعال با یکدیگر قرار گرفته، هر گونه شکاف و تناقض به حداقل ممکن می‌رسد» (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۱۷).

۴. شناخت ابعاد، ماهیت و عاملیت سرمایه‌های انسانی از چشم‌انداز هستی‌شناسی قرآن‌بنیان، زمینه‌ساز طراحی ساختارهای سازمانی و اجتماعی و مهندسی مجدد آنها بر

اساس شناخت درست از کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی انسانی است؛ به گونه‌ای که هم بتوان از توانمندی‌های عقلانی و خلاقانه آنها بهره‌مند شد و هم بتوان مدیریت بهینه‌ای بر کنش‌ها و رفتارهای آنها اعمال کرد.

۵. مبتنی بر پارادایم هستی‌شناسی قرآن‌بنیان، نظام انگیزه‌ها و فرآیندهای سرمایه‌های انسانی در فرآیند تصمیم‌گیری استراتژیک، به مدد نظام بینشی برآمده از سنت‌های قرآنی، فرآوری بهینه می‌شود. آگاهی از سنت‌های الهی و در این افق، خودآگاهی به میزان توانایی اراده انسانی برای تسلط و تغییر موقعیت‌های پیش رو و اطمینان قلبی از تحقق تصمیم‌های بر مدار حق، به همراه دیگر مؤلفه‌های هستی‌شناسی معطوف به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، منجر به بلوغ افزون‌تر نظام انگیزه‌ها و فرآیندها و کشش ایمانی در زیرساز عمل انسانی و مدیریت موقعیت‌های راهبردی و بر این مبنا، فرآوری راهبردی‌تر عمل ارادی در این موقعیت‌ها می‌شود.

۶. تفسیر و تدبیر مسائل و تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی، مبتنی بر هستی‌شناسی قرآن‌بنیان، تنها محدود به عوالم ظاهری نمی‌شود و این امر، منجر به توسعه عمق و گستره چشم‌انداز مدیران و تصمیم‌گیران باورمند به این مبانی در نسبت با غیرباورمندان، در تحلیل موقعیت‌های پیش رو می‌شود. بدین سان مبتنی بر گستره جامع‌تری از ارزیابی‌های محیطی، شیوه تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و اجرای آنها نیز متفاوت خواهد بود؛

۷. حاکم‌شدن مبانی هستی‌شناسی قرآن‌بنیان در یک سازمان و نهادینه‌سازی و توسعه فرهنگ قرآن‌بنیان در میان افراد، منجر به آن می‌شود تا مدیران، تصمیم‌گیران، خط‌مشی‌گذاران و برنامه‌ریزان، مبتنی بر مبانی یادشده به درک ارزش‌ها و آرمان‌های قرآن‌بنیان نائل گشته، به تدوین اهداف و چشم‌انداز و مسیر تحقق آنها در ذیل برنامه‌های توسعه‌ای اقدام کنند.

در پایان، گفتنی است وجود فضای بین‌رشته‌ای‌ها و چندرشته‌ای‌ها یکی از ضروریات فهم و استنباط درست و به‌تبع آن اقدام هماهنگ در فضای کاوش‌های عقلانی و تولید دانش روز است. بدین سان کسانی که به امتزاج بین رشته‌های گوناگون دانشی راه داشته باشند می‌توانند فرآورنده آموزه‌های تازه‌ای در این عرصه باشند. دانش تصمیم‌گیری

استراتژیک نیز از این مهم مستثنا نیست. پیوند این رشته دانشی با علوم دینی از یک سو، درک و تحلیل سره‌تر و عمیق‌تری از حوادث و مسأله‌ها و به تبع آن اقدامی شایسته‌تر، به تصمیم‌گیرندگان مسائل استراتژیک می‌بخشد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تولید، فرآوری و تدوین نظریه و دانش تصمیم‌گیری استراتژیک قرآن‌بنیان (مبتنی بر آموزه‌های قرآنی) از سوی پژوهشگران این حوزه و بدین‌سان ارائه مدل‌های کاربردی خودویژه برای مدیران استراتژیک، از چشم‌انداز جریان فکر دینی (قرآنی) در عینیت تحقیق و توسعه‌ای است.

محدودیت‌ها

بدیهی است که دستیابی به همه وجوه مبانی پارادایمی تصمیم‌گیری استراتژیک و از جمله هستی‌شناسی آن حاجتمند بررسی کل قرآن کریم، به ویژه سور مدنی، به دلیل بررسی مسائل اجتماعی در این سوره‌ها و به‌طور کلی، قرابت موضوعات آنها با دانش مدیریت استراتژیک و به‌طور خاص تصمیم‌گیری استراتژیک است. دستیابی به این مهم نیز نیازمند یک بازه زمانی میان‌مدت و اهتمام پژوهشگران متعدد و علاقه‌مند و متعهد به مباحث میان‌رشته‌ای است و بنابراین از عهده یک یا چند نفر در زمان کوتاه میسر نیست. با وجود این، نویسندگان پژوهش پیش رو، به اقتضای توان و زمان در اختیار و در وسع یک رساله و مقاله، با انتخاب سوره انفال به عنوان نمونه، آغازگر این راه شده‌اند و امید است که این راه با همراهی سایر پژوهشگران تا دستیابی به هدف نهایی ادامه یابد.

یادداشت‌ها

۱. ایمان (۱۳۹۸)، سلسله‌مراتب معرفت را به ترتیب، فلسفه، پارادایم، نظریه، مدل و واقعیت معرفی می‌کند. به این قرار، هر نوع معرفت علمی در حد فاصل بین پارادایم و واقعیت قرار دارد (ایمان، ۱۳۹۸، ص. ۶۲).

2. Camuffo, Gambardella & Pignataro

3. Yue & You

۴. برای مطالعه بیشتر به نمونه آثار زیر مراجعه کنید:

Ahmad, Shah & Abbass. 2020; Calabretta, Gemser & Wijnberg. 2017; Gavetti, Levinthal & Ocasio. 2007; Gillingham. 2003; Papulova & Gazova. 2016.

و نیز کردنائیچ، ۱۳۹۶ و...

5. Ritzer. 1968. P. 248

۶. برای مطالعه بیشتر نک. به: علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۴؛ محمدپور، ۱۳۹۷ و...

7. Orlova
8. Harrison & Pelletier
9. Gerras

۱۰. برای مطالعه بیشتر درباره روش دلالت در علم اصول، نک. به: صدر، ۱۳۶۴.

11. Basic Themes
12. Organizing Themes
13. Global Themes

۱۴. نک. به: خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸؛ Braun & Clarke. 2007 و... .

۱۵. سوره در آیات متفاوت به ارائه تصویری از موقعیت‌های گوناگون راهبردی و ضرورت اتخاذ تصمیم‌گیری راهبردی، برای مدیریت مسئله پیش رو می‌پردازد که می‌توان با استنتاج عقلی از آموزه‌های این سوره، به دستاوردهای تحلیلی در عرصه تصمیم‌گیری راهبردی رسید. برای نمونه در آیه «وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ/ ۵۸» به معاهدات ملی و بین‌المللی مبتنی بر اصول اسلامی و مسائل پیش روی این قراردادها، چونان پیمان‌شکنی و خیانت اشاره می‌شود. به این قرار، در نظرگرفتن سناریوهای مناسب برای مدیریت چنین شرایطی مبتنی بر اقتضائات عقل و استنتاج عقلی زمینه‌سازی می‌شود.

۱۶. سنت‌های الهی ذکرشده در قرآن، به‌مثابه دلایل لفظی بوده و مستند نظر قرآنی در تحلیل قواعد تکوینی و تشریحی هستی و انسان قرار می‌گیرند. برای نمونه: هستی‌شناسی قرآن‌بنیان بر آن است که همه هستی و کائنات بر اساس نظمی سامان‌مند رفتار می‌کنند که نشان از عقلانیت حاکم بر هستی است. این عقلانیت متأثر از ذات اقدس الهی است و تصمیم‌گیران استراتژیک را رهنمون به قانون یا سنت‌های الهی می‌کند. در پرتوی سنت‌های الهی، قواعد و قوانین حاکم بر موجودات قابل کشف است. قوانین یا سنت‌های الهی به‌مثابه راداری هستند که آگاهی از آن‌ها منجر به افزایش سرعت و کیفیت تشخیص فرصت‌ها و تهدیدها می‌شود. بدین‌سان، مبتنی بر قدرت اراده‌ورزی انسانی و ناگزیری وی از تصمیم برای انتخاب خیر یا شر، سنت تغییر و تحول فردی و اجتماعی به میان می‌آید (ایمان، ۱۳۹۸، صص ۵۳۸ - ۵۳۹).

اراده تغییر وضعیت فردی، اجتماعی و حتی تمدنی و چگونگی کیفیت این تغییر در دستان خود آدمی است. وی با اراده خویش تصمیم به تغییر می‌گیرد (برداشت از آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ/ ۵۳»). بنابراین سنت‌های الهی و آگاهی بر این امر که نتیجه انتخاب خیر، سپیدی است و نتیجه انتخاب شر، سیاهی است و نیز قدرت اختیار آدمی در انتخاب راه پیش رو، به عنوان عوامل دیگری از زمینه‌های تحقق تصمیم‌گیری استراتژیک، در هستی‌شناسی قرآنی معرفی می‌شوند. در واقع سنت‌ها بستر یا

قوانین حاکم بر شرایط و موقعیت‌هایی هستند که فرآیند و محتوای تصمیم‌های راهبردی از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و آدمی با اراده خویش می‌تواند از این قواعد و سنن در تحقق تصمیم‌های راهبردی استفاده کند و در راستای آن‌ها به بصیرت‌افزایی تاریخی تا تحلیل لایه‌به‌لایه آینده، شناسایی پیشران‌ها، ارائه سناریوها و تحلیل مستمر شکاف‌های بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب، برای بهینه‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری راهبردی بپردازد.

۱۷. به همین دلیل است که حسرت و تباهی و مواجهه با عواقب حاصل از انتخاب‌ها و تصمیم‌های نادرست (اعم از راهبردی و غیر آن) در سطح فردی، اجتماعی و تمدنی، امری است که در همواره تاریخ بشری وجود داشته است (برداشت از آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ / ۳۶»): چراکه نتایج برخی از اشتباهات در دنیای مادی قابل جبران نبوده، عواقب آن دامن‌گیر امتداد زندگی و حیات اخروی نیز می‌شود. کوتاه آنکه تصمیم‌های راهبردی از منظر قرآن دارای ماهیتی آینده‌نگارانه (بازه زمانی بلندمدت) است که پیامدهای آن فراگیر دنیا و آخرت است.

۱۸. برای نمونه از آیات «إِذْ يَغْشَىٰ كُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمُ رَجَزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ / ۱۱»؛ «إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلِقَىٰ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ / ۱۲»؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرَثَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ / ۴۷»؛ «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هُوَ لَاءَ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ / ۴۹»؛ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا / ۶۵»؛ «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثَخَّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ / ۶۷»؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجَرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ / ۷۲»؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ / ۷۴» این‌گونه برداشت می‌شود که ایجاد ظرفیت روحی و پیرایش وجودی از آفات دنیوی در شکل‌دهی به عاملیت انسان (نقش معنویت در توفیق اقدام و به تعبیری پیرایش خلاقیت در افق هستی‌شناخت) لازمه گام اقدامی‌سازی تصمیم‌های راهبردی است. برای مثال، ایمان از مجرای زمینه‌سازی توکل به خداوند و میانداربخشی خودخواسته خداوند در متن زندگی و تصمیم و عمل، توان‌مندبخش فاعلیت امر انسانی است که می‌تواند به‌مثابه

بازیگر اصلی معادله دانش - قدرت، رقم‌زننده دست‌یابی به موفقیت در تحقق تصمیم‌های راهبردی باشد. به تعبیری دیگر، اهداف و تصمیم‌های راهبردی‌ای که در چارچوب ارزش‌ها و کنش‌های مستند به آن (مانند «ایمان»؛ یعنی گرایش‌های امنیت‌بخش زندگی و «تقوا»؛ یعنی خودبانی همواره جریان رشد در خویش) تعریف شوند قادر به تحریک انگیزه‌ای قوی در افراد برای به ثمر رساندنشان هستند. بدین‌سان تصمیم‌های راهبردی با الهام و تأثیرپذیری فراوان از ارزش‌هایی چون ایمان و تقوا، جهت‌یابی معین و مشخصی را برای کنش اجتماعی یک سازمان یا جامعه شکل می‌دهند؛ زیرا رفتار پسندیده و ناپسند و به عبارت دیگر، تصمیم‌های راهبردی حق‌مدار یا غیرحق‌مدار در حیطه فردی و اجتماعی، ناشی از نظام ارزشی برگرفته از هستی‌شناسی موردپذیرش انسان است و افراد به هر نظام ارزشی اعتقاد داشته باشند، رفتارشان رنگ‌وبوی آن نظام را به خود می‌گیرد و در نظام اسلامی، ایمان و آراستن زیستمان وجودی و مناسبات اجتماعی با آن، شامل همه ارزش‌های اسلامی است که خود را در تقوا و فرآیند بلوغ رستگاری نشان می‌دهند (احسانی، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۳).

۱۹. یکی از عواملی که به هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل راهبردی، هم در تجزیه و تحلیل محیط داخلی و هم در تجزیه و تحلیل محیط خارجی سازمان (جامعه) به بررسی آن پرداخته می‌شود، فاعلان تأثیرگذار بر تصمیم‌های استراتژیک است. این فاعلان گاه در نقش رهبران و ذی‌نفعان و منابع انسانی سازمان و گاه به عنوان مشتری و گاه به عنوان رقیب، در میدان تصمیم‌های استراتژیک ایفای نقش می‌کنند و بر اساس نقش خود، باعث تحقق تصمیم‌های راهبردی یا مانع از آن می‌شوند. هستی‌شناسی (به مفهوم عام و از جمله شامل انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی) قرآن کریم به گونه‌ای خاص به تحلیل نقش فاعلان در زمینه‌سازی جهت‌گیری و نیز فرجام تصمیم‌های راهبردی پرداخته است. در گام اول، قرآن کریم هر گونه تغییر و تحول در وضعیت فردی و اجتماعی را منوط به خواست تغییر و تصمیم و اقدام برای تغییر، توسط خود فرد و جامعه می‌داند. برای نمونه این موضوع، در آیات «ذَلِكَ بَانَ لِلَّهِ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ / ۵۳» و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي آيَاتِكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ / ۷۰» به صراحت اشاره شده است. بنابراین از منظر هستی‌شناسی قرآن‌بنیان، اصل و اساس هر تصمیمی برای شکل‌گیری هر گونه تغییری منوط به خواست و اراده آدمی است. مبتنی بر این اراده، آدمی در انتخاب انواع پارادایم‌ها آزاد است و بر همین اساس است که در شرایط و موقعیت‌های یکسان رخ‌نموده سازمانی، به علت تفاوت پارادایمی، شاهد

برداشت‌های دو یا چندگانه روان‌شناختی، تفاوت در نحوه تصمیم‌گیری، اقدام و به تبع آن پیامدهای متفاوت هستیم.

از سوی دیگر، در گام پس از اراده‌ورزی برای انتخاب بدیل‌ها، مبتنی بر پارادایم برگزیده، ثبات قدم، استواری و پای‌بندی بر آرمان‌ها، اهداف و تصمیم‌های راهبردی یک عملیات (منظومه عملکردهای ایجابی و سلبی پیشرفت چونان جهاد با اهل کفر و شرک و خط نفاق) به میان می‌آید. مبتنی بر برداشت از آیات «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ/ ۶۵»؛ «إِنَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلَّمَ أَنَّ فِيكُمْ زَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ/ ۶۶»؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجَرُوا/ ۷۲»؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ/ ۷۴» و «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ/ ۷۵» این مهم، و اما در «بلوغ نظام انگیزه‌ها و خواهانی‌های» فاعلان این گونه عملیات معرفی می‌شود تا زمینه‌ای برای پیرایش ناخالصی‌ها و ارتقای سطح صداقت و بی‌آلایشی آن‌ها پدید آید. این ثبات قدم همان گونه که از آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ/ ۳۹» برداشت می‌شود، فقط زمانی منجر به تحقق تصمیم‌های راهبردی می‌شود که مرحله اجرا تا آخرین گام پیاده‌سازی شود.

۲۰. برای نمونه می‌توان به برداشت از آیه «وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ/ ۱۹» اشاره کرد که سطح همراهی خداوند در همه امور از جمله تصمیم‌گیری‌های راهبردی را، تابعی از سطح پیوستگی خودخواسته انسان با امر غایی نامتناهی الهی معرفی می‌کند.

21. Allen & Coates
22. Gerras
23. Goldoff
24. Oppenheimer & Kelso

کتابنامه

قرآن کریم

احسانی، محمد (۱۳۹۳). تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲). *ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۷). *فلسفه تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: سمت و پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۸). *روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان (چاپ ۲)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آکوچکیان، احمد (۱۳۹۵). *الگوی راهبری تحول*. تهران: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
- آکوچکیان، احمد (۱۳۹۹). *اجتهاد پارادایمی تفسیر پیشرفت‌شناخت*. چاپ محدود. قم: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
- آکوچکیان، احمد (۱۳۹۹). *تفسیر هدی*. چاپ محدود. قم: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
- آکوچکیان، احمد (۱۳۹۹). *الگوی معیار پیشرفت در تفسیر سوره حدید*. چاپ محدود. قم: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
- جوادی‌آملی، مرتضی (۱۳۹۳). *نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی*. مدیریت دولتی. دوره جدید. (۲۳). ۱-۱۰.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۶). *تفسیر تسنیم (جلد ۳۲ و ۳۳) (چاپ ۳)*. قم: اسراء.
- چهاردولی، عباس و دل‌انگیز، ابوالقاسم (۱۳۹۸). *واکاوی و فهم دلالت‌های پارادایم‌های چهارگانه فلسفی با رویکرد اسلامی*. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- چهاردولی، عباس و خادم‌زاده، وحید (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر فلسفه مدیریت راهبردی از نگاه اسلام*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حدادزاده، مهدی (۱۳۹۷). *تدوین مدل اسلامی شهود در تصمیم‌گیری راهبردی*. مدیریت در دانشگاه اسلامی. ۷ (۱). ۱۷۹ - ۱۹۹.
- حسینی، سیدحمیدرضا (۱۳۹۹). *درآمدی بر پارادایم اجتهاد دانش‌عملی (چاپ ۲)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خاشعی، وحید (۱۳۹۴). *درآمدی نظری بر تصمیم‌گیری راهبردی حکمت‌بنیان*. فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی. ۲۳ (۲). ۶۶-۴۳.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۸). *مبانی و اصول روش‌های پژوهش کیفی (جلد ۱)*. تهران: انتشارات نگاه دانش.

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶). پارادایم‌های رقیب در علم سازمان و مدیریت: رویکرد تطبیقی به هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی. *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد*. ۱۴ (۲۶). ۸۹ - ۱۰۴.

دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. *فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی*. ۲۲ (۸۶). ۳۹-۷۱.

دهقان، رحیم (۱۴۰۰). استجابت دعا و تغییر اراده الهی؛ پاسخی بر مبنای اخلاق دینی فضیلت‌گرا. *فلسفه دین*. ۱۸ (۲). ۲۲۱ - ۲۴۲.

دهقانی، لیلا؛ شکرانی، رضا و نقشینه ارجمند، حمیدرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ادراک عدالت بر تصمیم‌گیری مدیران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی*. ۱۹ (۲). ۳۵ - ۶۴.

دیالمه، نیکو (۱۳۹۳). تأثیر جهان‌بینی توحیدی در دانش مدیریت. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). رازینی، روح‌الله و عزیزی، مهدی (۱۳۹۴). طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی. *فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی*. ۴ (۲۳). ۱۰۰-۷۳.

رحمانی، نیما (۱۳۹۵). بررسی نقش وحی در تصمیم‌گیری عقلانی - شهودی. *دو فصلنامه علمی - تخصصی اسلام و مدیریت*. ۵ (۱۰). ۲۹ - ۵۲.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر (جلد ۳)*. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

سام‌خانیان، محمدریغ و فیاض، ایرانداخت (۱۳۹۹). تبیین و نقد رویکرد پارادایمی در اندیشه‌های تربیتی. *مجله علمی پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز*. ۱۴ (۳۳). ۱۶۶ - ۱۸۸.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶). *الفرقان فی تفسیر القرآن (جلد ۱۲)* (چاپ ۲). قم: فرهنگ اسلامی. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۴). *علم اصول (نصرت‌الله حکمت، مترجم)*. تهران: امیرکبیر.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۵). *پژوهش‌های قرآنی (جلد ۴)* (سیدجلال امیرآقایی، مترجم). قم: انتشارات دارالصدر.

طباطبایی، محمدتقی (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان (جلد ۹)*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲). *تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (جلد ۴)* (چاپ ۳). تهران: ناصر خسرو.

- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۶ ق). *التبیین فی تفسیر القرآن* (جلد ۵). داراحیاء التراث العربی. لبنان: بیروت.
- علوی، سیدعلی (۱۳۸۶). درآمدی بر تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی بر تصمیم‌گیری. *اندیشه مدیریت*. ۱ (۱). ۳۵ - ۵۸.
- علی‌پور، مهدی و حسنی سیدحمیدرضا (۱۳۹۴). *پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)* (چاپ ۳). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فروتنی، زهرا (۱۳۸۷). *مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی (ره)*. تهران: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور* (جلد ۳). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۹۱). کارآمدی سنت‌های اجتماعی قرآن. *مجله پژوهش دینی*. ۱ (۲۵). ۶۵ - ۹۱.
- کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی (۱۳۹۸). *نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»*. ویرایش ششم. چاپ دوم. قم: دانشگاه قم.
- کردنائیج، اسدالله (۱۳۹۶). *تفکر و مدیریت استراتژیک. تئوری و عمل*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- گائینی، ابوالفضل (۱۳۹۹). *معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گائینی، ابوالفضل و حسین‌زاده، امیر (۱۳۹۱). پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان. *راهبرد فرهنگ*. ۵ (۱۹). ۱۰۳ - ۱۳۸۰.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). *نظریه تصویر و تصمیم راهبردی*. *اندیشه مدیریت*. ۱ (۱). صص ۹۳ - ۱۰۹.
- لطفی، امیرعلی و میرزا، عبداله‌اشم (۱۳۹۶). رویکردهای نظریه‌پردازی آیات تصمیم‌گیری در منابع مدیریت اسلامی. *دو فصلنامه علمی - ترویجی قرآن و علم*. ۱۱ (۲۰). ۷۵-۴۹.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۷). *روش در روش (ویراست ۲)*. درباره ساخت معرفت در علوم انسانی. تهران: لوگوس.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *آموزش عقاید* (چاپ ۱۷). قم: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (جلد ۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). *آشنایی با قرآن*. تهران: صدرا.
منطقی، محسن (۱۳۹۰). نقش نگرش‌های اسلامی در فرآیند تصمیم‌گیری. *اسلام و پژوهش‌های مدیریت*. ۱ (۲). ۵۷-۴۱.
نصری، عبدالله (۱۳۹۴). *مبانی انسان‌شناسی در قرآن*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

یثربی، یحیی (۱۳۸۹). *تفسیر روز (جلد ۳)*. تهران: امیرکبیر.

- Ahmad, M., Shah, S. Z. A., & Abbass, Y. (2020). The role of heuristic-driven biases in entrepreneurial strategic decision-making: evidence from an emerging economy. *Management Decision*.
- Allen, C. D., Coates, B. E., & Woods III, G. J. (2012). *Strategic decision making paradigms: A primer for senior leaders*. ARMY WAR COLLEGE CARLISLE BARRACKS PA.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*. 3 (3). 77-101.
- Calabretta, G., Gemser, G., & Wijnberg, N. M. (2017). The interplay between intuition and rationality in strategic decision making: A paradox perspective. *Organization Studies*. 38 (3-4). 365-401.
- Camuffo, A., Gambardella, A., & Pignataro, A. (2022). Framing Strategic Decisions in the Digital World. *Strategic Management Review*.
- Forozandeh Dehkordi, L., Mahmoodi Meimand, M., Abesi, S., & Haddad Zadeh, M. (2015). Identifying factors and components of intuition in decision making in viewpoint of Holy Quran. *Quarterly Journal of Public Organizations Management*. 3 (4). 75-91.
- Gavetti, G., Levinthal, D., & Ocasio, W. (2007). Perspective—Neo-Carnegie: The Carnegie school's past, present, and reconstructing for the future. *Organization Science*. 18 (3). 523-536.
- Gerras, Stephen J . (2010). *Strategic leadership primer* (3rd Edition), United States Army War College. pp. 35-47.
- Gillingham, R. (2003). *Purchasing and Supply Chain Management* (3rd Edition) Pearson Educational Limited, Edinburgh Gate, Harlow, Essex CM2 20JE. England.
- Goldoff, A. C. (2000). Decision-making in organizations: the new paradigm. *International Journal of Public Administration*, 23(11), 2017-2044.
- Harrison, E. F., & Pelletier, M. A. (1995). A paradigm for strategic decision success. *Management Decision*.
- Oppenheimer, D. M., & Kelso, E. (2015). Information processing as a paradigm for decision making. *Annual review of psychology*. 66 (1). 277-294.
- Orlova, E. A. (1982). Interaction Paradigms of Decision-Making. *International Political Science Review*. 3 (2). 212-217.

- Papulova, Z., & Gazova, A. (2016). Role of strategic analysis in strategic decision-making. *Procedia Economics and Finance*. 39. 571-579.
- Ritzer Geovge (1968) "Paragigm and Lyssissacialgy the Issues". *Amevican So Ciodagical Review* 46. 275-248.
- Sardar, z. (2006). *How Do You Know? Reading Ziauddin Sardar on Islam, Science and Cultural Relaitions*, Eds with E. Masood, London: Pluto Press.
- Yue, D., & You, F. (2016). Biomass and biofuel supply chain modeling and optimization. *In Biomass Supply Chains for Bioenergy and Biorefining* (pp. 149-166). Woodhead Publishing